

پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



رکود تورمی در ایران نظم‌های آماری و عوامل آن

محمدحسین رحمتی

سیدعلی مدنی‌زاده

فاطمه نجفی

MBRI-PP-93027

مقاله سیاستی

آذر ۹۳

www.mbri.ac.ir



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، پلاک ۱۰

کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

www.mbri.ac.ir

- دیدگاه و نظرات ارائه شده در این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و لزوماً نظر پژوهشکده پولی و بانکی را منعکس نمی کند.
- کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده پولی و بانکی می باشد، لیکن استفاده از نتایج این مقاله با ذکر منبع بلامانع است.



رکود تورمی در ایران: نظم‌های آماری و عوامل آن

محمدحسین رحمتی^۱

سیدعلی مدنی‌زاده^۲

فاطمه نجفی^۳

چکیده

شواهد آماری مربوط به رکود تورمی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ نشان می‌دهند، اقتصاد ایران در سال‌های اخیر سه فاز متفاوت را طی کرده است. فاز تحریم، فاز بحران و فاز عبور از بحران. در فاز اول، تحریم‌های مختلف از طریق سازوکار شوک منفی عرضه بر اقتصاد اثر گذاشته‌اند. به رغم ماهیت پایدار این شوک‌ها، آحاد اقتصادی و بخصوص سیاستگذاران، تحریم را امری گذرا و غیرمؤثر تلقی کردند و بر همین اساس، به منظور خروج از رکود، سیاست‌های کوتاه‌مدت در پیش گرفتند. در نتیجه، فاز اول با سیاست‌های انبساطی شدید پولی و مالی و در نتیجه رشد اقتصادی همراه بوده است. در این بازه زمانی به رغم سیاست‌های انبساطی پولی، نرخ تورم، با استفاده از لنگر ارزی، پایین نگه داشته شد. در عین حال، به مرور، ماهیت شوک‌های ناشی از تحریم آشکار شد. این شوک‌ها علاوه بر شوک منفی عرضه به شوک منفی تجاری نیز گسترش یافتند. در نتیجه در پاییز ۱۳۹۰ با معرفی تحریم‌های جدید مالی و مبادلاتی و افزایش ناگهانی نرخ ارز، اقتصاد وارد فاز بحران شد. به دلیل جابه‌جایی در روند رشد اقتصادی و افزایش هم‌زمان ناطمینانی، میزان ذخیره احتیاطی (به طور خاص به صورت تقاضا برای ارز خارجی) افزایش یافت، مصرف طی چهار فصل روند نزولی یافت و روند انباشت سرمایه به شدت کاهش یافت. فاز عبور از بحران نیز با انتخابات ریاست جمهوری یازدهم آغاز شد که تورم کاهش چشمگیری یافت و انقباض بیشتر اقتصاد کند شد. این مقاله نشان می‌دهد: (۱) اشتباه‌های سیاستگذاری و بخصوص سیاست‌های کج دار و مریز در زمان شوک منفی عرضه و تلقی غلط از ماهیت شوک می‌تواند به تعمیق بحران منجر شود. (۲) به دلیل شوک پایدار عرضه، اقتصاد در شرایط فعلی دارای شکاف تولیدی نیست که نیازی به افزایش تقاضای بازار داخلی باشد بلکه اقتصاد در مسیر جدیدی قرار گرفته است. (۳) شوک تحریم بر کالاهای سرمایه‌ای تأثیر بیشتری داشته که بهره‌وری و تولید را در بلندمدت متأثر می‌سازد.

۱ - استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه صنعتی شریف

۲ - مدیر گروه مدل‌سازی، پژوهشکده پولی و بانکی و استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه صنعتی شریف

۳ - کارشناس ارشد پژوهشی، گروه مدل‌سازی، پژوهشکده پولی و بانکی



۱. مقدمه

رکود تورمی چیست؟ هم‌زمانی رکود و تورم در اقتصاد امری غیرمنتظره نیست. هر تکانه حقیقی از جنس جابه‌جایی به چپ عرضه کل، موجب افزایش هم‌زمان تورم و کاهش تولید می‌شود. مطالعات فراوانی هم‌زمانی وقوع تورم و رکود را در مدل‌های چرخه‌های تجاری حقیقی شبیه‌سازی کرده‌اند. پیشنهاد اکثر اقتصاددانان در صورت وقوع تکانه‌های حقیقی عرضه کل عدم اعمال هرگونه سیاستگذاری با محوریت تقاضاست. افت‌وخیزهای ناشی از چرخه‌های تجاری در سطح خرد، از طریق سازوکار تخریب آفریننده^۴، بنگاه‌های کم‌بازده را از بازار خارج می‌کنند و با ایجاد فضا برای کسب‌وکارهای جدید به موتور رشد تبدیل می‌شوند. اگر سیاستگذاری تقاضامحور پاسخ رکود تورمی نیست، در زمان رکود شدید و تورم بالا تدوین سیاست اقتصادی مناسب یک چالش اساسی است.

بنابراین آنچه نیاز به توضیح دارد علت وقوع رکودی عمیق فراتر از چرخه‌های تجاری و هم‌زمانی آن با تورم بالاتر از تورم ساختاری در اقتصاد است. در چنین شرایطی غالباً تکانه‌های حقیقی بخش عرضه به تنهایی نمی‌توانند تمام نوسانات تولید و تورم را توضیح دهند. مطالعات مختلفی که روی رکود تورمی در آمریکا انجام شده است این امر را تأیید می‌کند. جدول ۱ نشان می‌دهد که رکود تورمی برای هر کشور به صورت کاملاً موردی تعریف می‌شود. به عنوان مثال در مورد رژیم صهیونیستی، رشد و تورم بلندمدت به ترتیب برابر با ۱۳ و ۶ درصد بوده است. در چنین شرایطی، در ادبیات اقتصادی برای این کشور نرخ رشد اقتصادی ۳ درصد و تورم ۴۰ درصد رکود تورمی نامیده می‌شود. در حالی که همین نرخ رشد و تورم برای کشور ترکیه روند بلندمدت اقتصاد به حساب می‌آید.

جدول ۱- رکود تورمی در تجربه جهانی

(درصد)

کشور	دهه میلادی	پیش از بحران		بحران رکود تورمی		پس از اصلاحات	
		تورم	رشد اقتصادی	تورم	رشد اقتصادی	تورم	رشد اقتصادی
آلمان	۱۹۲۰			۳۰۰۰ ماهانه	-۳۷		
آمریکا	۱۹۷۰	۵	۳	۱۰-۶	-۲	۵	۲
ایران	۲۰۱۰	۲۰	۳	۴۵	-۵		
برزیل	۱۹۹۰-۱۹۸۰	۵۰	۶,۶	۱۰۰۰	-۱	۶	۴
ترکیه	۲۰۰۰	۵۰	۶	۱۰۰۰	-۶	۸	۸
رژیم صهیونیستی	۱۹۸۰-۱۹۷۰	۶	۱۳	۴۰-۴۰	۳	۶	۵
شیلی	۱۹۸۰	۲۱	۴	۴۰۰	-۱۴	۳	۶
لهستان	۱۹۲۰			۱۴ میلیون			

منبع: پروژه رکود تورمی و راهکارهای خروج، فصل اول (تجربه کشورهای دیگر)^۵

نکته دیگری که توضیح آن ضرورت دارد، علت ماندگاری و پایداری رکودهای تورمی است. به عبارت دیگر اگر چرخه‌های تجاری به طور متوسط در بازه‌های دوساله به وقوع می‌پیوندد رکود تورمی می‌تواند چند برابر چرخه‌های تجاری معمولی ادامه یابد. برای مثال، در



کشور آمریکا، رکود تورمی دهه ۱۹۷۰ نزدیک به پنج فصل طول کشید در حالی که رکود تورمی در رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۵ با افت و خیزهای متعدد ادامه یافت. دوام و ماندگاری بیش از حد رکود تورمی در دیگر تجربه‌های بین‌المللی نیز مشاهده می‌شود.^۶ سؤال ماندگاری و دوام رکود تورمی از لحاظ نظری و عملی حائز اهمیت است. از لحاظ نظری اگر تکانه حقیقی تنها عامل رکود تورمی باشد، معمولاً لختی تکانه‌های حقیقی ناچیز است مگر آنکه تکانه مذکور از جنس پایدار- در مقابل گذرا- باشد. بنابراین باید مدل‌سازی به نحوی انجام شود که یک تکانه حقیقی گذرا اثر بلندمدت داشته باشد. از لحاظ عملی نیز طول دوام رکود تورمی زمانی اهمیت می‌یابد که چراغ راهی برای استراتژی خروج باشد و افق رکود و تورم پیش روی سیاستگذار را روشن کند. به زبان ساده‌تر سیاستگذار باید بداند که سیاست‌های خروج از رکود تورمی به طور ذاتی طولانی‌مدت و ساختاری هستند.

این مقاله از شش بخش تشکیل شده است. پس از بیان مقدمه در بخش اول، بخش دوم، به نظم‌های آماری رکود تورمی اخیر ایران و مقایسه مشخصات رکود تورمی اخیر و چرخه‌های تجاری می‌پردازد. در بخش سوم، تکانه‌های مهم اقتصادی که از سال ۱۳۸۴ در اقتصاد ایران رخ داده است، بررسی و مکتوب می‌گردند. در بخش چهارم دو نظریه رایج که توانایی توضیح نظم‌های آماری رکود اخیر را دارند بیان می‌شوند. بخش پنجم تحلیلی ابتدایی از شوک‌های بخش چهارم ارائه می‌کند. در نهایت، بخش ششم به جمع‌بندی مباحث موجود اختصاص دارد.

۲. نظم‌های آماری ۱۳۸۶-۱۳۹۲ اقتصاد ایران

برای مطالعه دقیق‌تر رکود تورمی بر اساس رفتارهای متفاوت متغیرهای کلان اقتصاد، چهار بازه مشخص تعریف گردید. در دوره اول که پیش از آغاز تحریم‌هاست، متغیرهای اقتصاد کلان روند طبیعی خود شامل تورم مزمن ۱۵ تا ۲۵ درصد و رشد سرانه حدود ۳ درصد را نشان می‌دهند. دومین بازه، فاز اول تحریم است که با تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص تحریم ایران آغاز می‌شود. نظر به اینکه آثار تحریم به مرور در اقتصاد ایران وارد شد، تعیین زمان دقیق برای آغاز این فاز، مشکل است. لکن وجه ممیزه این فاز، تشدید آهسته تحریم‌های خارجی است بدون آنکه نشانه‌هایی از مقابله با تحریم میان سیاستمداران و مردم دیده شود. به رغم این موضوع مشاهده می‌شود که تغییرات خفیفی در متغیرهای اقتصاد کلان رخ می‌دهد.^۷

برای مثال در اولین تحریم شورای امنیت که در بهار ۱۳۸۶ اعمال گردید، احتمالاً در پاسخ به این شوک، متغیرهای اقتصاد کلان رکود نسبی و تورم محدودی را گذراندند که نزدیک به ۶ فصل دوام آورد، گرچه در ادامه فاز تحریم به دلایلی که در ادامه ذکر خواهد شد، رشد اقتصادی بالاتر از روند بلندمدت و تورم پایین‌تر از روند بلندمدت به وقوع می‌پیوندد. از پاییز ۱۳۸۸ تا پاییز ۱۳۹۰ رشد اقتصادی برابر متوسط سالانه ۵ درصد و نرخ تورم به صورت متوسط ۱۷ درصد بود. از پاییز ۱۳۹۰ فاز بحران در اقتصاد ایران آغاز شد.^۸ اقتصاد ایران در این دوره شاهد جهش قابل توجه نرخ ارز بود، امری که در تاریخ ایران کمتر مشاهده شده است.^۹ در فاز بحران، اقتصاد تا ۸ درصد منقبض شد و متوسط تورم سالانه برابر ۳۲ درصد بود. فاز نهایی یا فاز «عبور از بحران» با انجام انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم از تابستان ۱۳۹۲ آغاز شد. در این فاز اقتصاد همچنان کوچک می‌شود لکن تورم بسیار افت کرده است.

۶ - رکود تورمی در برزیل ۶ سال، در شیلی ۹ سال، در آلمان ۵ سال، در مجارستان ۶ سال و در ترکیه ۱۵ سال ادامه داشت.

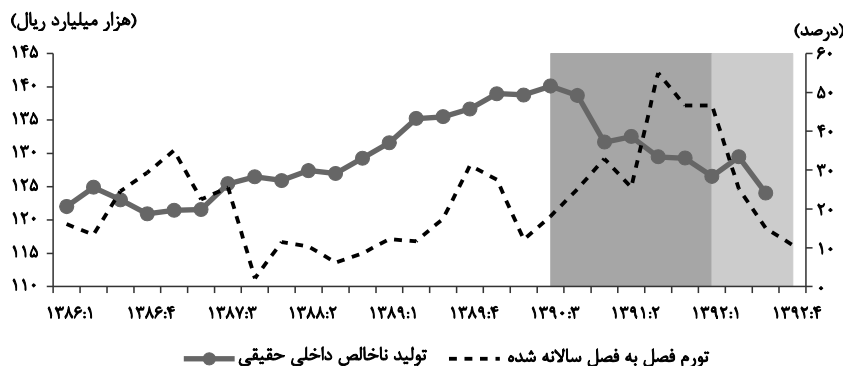
۷ - در ادامه نشان داده می‌شود که تولید نفت ایران در یک فصل افت ۱۵ درصدی را می‌گذراند و به رغم وجود تقاضا در بازار، توانایی تولید ندارد. از دیگر نشانه‌های واکنش اقتصاد، افت شدید سهم کالاهای سرمایه‌ای در واردات است که با آغاز فاز تحریم و پیش از بحران رخ می‌دهد.

۸ - در تعیین شروع فاز بحران، نویسندگان تصمیم گرفتند فصلی که در آن اتفاق نظر وجود دارد و احتمالاً نزدیک‌ترین فصل به جهش ناگهانی نرخ ارز است را به عنوان مبدأ انتخاب کنند با این معیار در آغاز فاز بحران رویکرد محافظه‌کارانه اختیار شده است.

۹ - گرچه میان بحران ارزی سال ۱۳۷۳ و جهش ناگهانی نرخ ارز و بحران اخیر مشابهت‌هایی دیده می‌شود، شدت، مدت و عوامل بنیادی آنها کاملاً متفاوت است. مقایسه این دو رخداد، تحقیقی مجزا می‌طلبد.



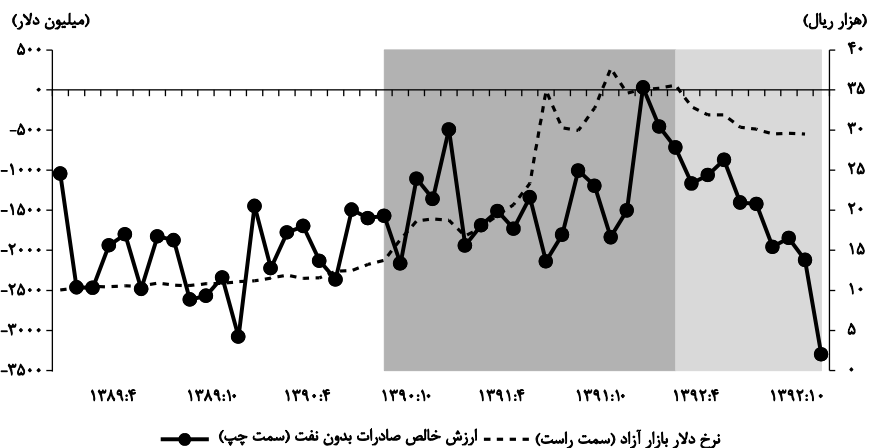
نمودار ۱- تورم و تولید ناخالص داخلی



توضیح: تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ و پس از حذف تواتر فصلی در سمت چپ و تورم شاخص قیمت مصرف‌کننده، بعد از حذف اثر فصلی در سمت راست نشان داده شده‌اند. تورم به صورت نرخ رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده فصل نسبت به فصل قبل محاسبه شده و برای ایجاد هم‌خوانی با تورم سالانه با استفاده از میانگین مرکب به صورت معادل سالانه درآمده است. مأخذ داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

همان‌گونه که نمودار ۱ نشان می‌دهد، رشد اقتصادی در نیمه دوم فاز تحریم چشمگیر بوده که در ادامه با سقوط آزاد در فاز بحران روبه‌رو شده است. متوسط رشد اقتصادی سالانه از پاییز ۱۳۸۸ تا پاییز ۱۳۹۰ برابر ۵ درصد بوده در حالی که متوسط نرخ تورم سالانه در این بازه تنها ۱۷ درصد است. بدیهی است شوک‌های اقتصادی که محرک تولید و تورم در دوره‌های فوق بوده‌اند بر بخش تجاری اقتصاد نیز تأثیر داشته‌اند. بر اساس نمودار ۲، نرخ دلار در فاز تحریم هرگز فراتر از ۱۴ هزار ریال نرفت در حالی که در فاز بحران و در بهمن ۱۳۹۱ نرخ برابری دلار به ریال رکورد ۳۷ هزار ریال را نیز ثبت کرد. با اینکه با آغاز فاز عبور از بحران، نرخ دلار سقوط کرد و پول ملی تقویت شد، هرگز به کمتر از نرخ برابری میانه سال ۱۳۹۱ نرسید.

نمودار ۲- ارزش خالص صادرات و نرخ ارز



توضیح: خالص صادرات بر اساس داده‌های گمرک و نرخ ارز بازار آزاد به صورت میانگین ماهانه نرخ ارز روزانه در بازار آزاد گزارش شده‌اند. مأخذ داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.



نمودار ۲ همچنین خالص صادرات غیرنفتی را از سال ۱۳۸۶ ترسیم می‌کند. گرچه خالص صادرات یکی از متغیرهای اساسی اقتصاد است که می‌تواند به شناسایی شوک‌های مختلف کمک کند اما در چند سال اخیر، اصطکاک‌های صادراتی و وارداتی به صورت محسوسی افزایش یافته است. برای مثال در فاز بحران گرچه ارزش پولی ملی نزدیک به ۶۰ درصد نزول کرد، لکن خالص صادرات تغییر محسوسی نکرد. آنچه از نمودار ۲ مشخص است، در فاز گذار خالص صادرات غیرنفتی به طرز محسوسی روند کاهشی به خود گرفته است.^{۱۰}

جدول ۱ سهم واردات کالاهای مختلف را در فازهای مختلف نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، اثر غالب تحریم روی کالاهای سرمایه‌ای بوده و این اثر دقیقاً در همان فاز تحریم و پیش از شروع بحران اثر کرده است. تحریم از سه طریق بر کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای تأثیر می‌گذارد که هر کدام از این عوامل در کالاهای واسطه‌ای و نهایی کم‌رنگ‌تر است. عامل اصلی، ایجاد اصطکاک در تأمین اعتبار برای کالاهای سرمایه‌ای است. یک کالای سرمایه‌ای معمولاً تعداد مشتری محدودی دارد و برای منظور خاص و به سفارش خریدار تولید می‌شود. علاوه بر موارد فوق، مدت زمان بین سفارش تولید تا زمان بسیار بیشتر از کالاهای دیگر است لذا در خرید کالای سرمایه‌ای تأمین اعتبارات بانکی ضروری است.

جدول ۲- سهم واردات و صادرات از کل (درصد)

دوره	ارزش واردات			ارزش صادرات		
	سرمایه‌ای	واسطه‌ای	نهایی	سرمایه‌ای	واسطه‌ای	نهایی
روند بلندمدت	۲۸	۵۸	۱۴	۵	۶۴	۳۱
فاز تحریم	۱۹	۶۴	۱۶	۳	۶۹	۲۸
فاز بحران	۱۸	۶۵	۱۶	۳	۶۹	۲۸
فاز عبور از بحران	۱۷	۶۶	۱۹	۳	۷۳	۲۴

توضیح: فاز روند بلندمدت از ابتدای ۱۳۸۱ تا زمستان ۱۳۸۹ را شامل می‌شود. فاز تحریم از بهار ۱۳۸۶ تا تابستان ۱۳۹۰ است. فاز بحران از پاییز ۱۳۹۰ تا بهار ۱۳۹۲ و فاز گذار از تابستان ۱۳۹۲ تا زمستان ۱۳۹۲ تعریف می‌شود. سهم هر کالای وارداتی (صادراتی) به دلار از کل واردات (صادرات) محاسبه شده است. برای محاسبه سهم هر گروه، کلیه کدهای کالایی بر اساس طبقه‌بندی HS که توسط گمرک گزارش می‌شود با استفاده از معیار BEC به واسطه‌ای، سرمایه‌ای و نهایی تقسیم و متوسط سهم واردات (صادرات) هر گروه در هر فاز محاسبه شده است. مجموع سهم در هر ردیف به تفکیک ارزش واردات و ارزش صادرات باید برابر ۱۰۰ درصد باشد، خطای خارج از قاعده به دلیل رند کردن اعداد است. مأخذ داده‌ها: گمرک جمهوری اسلامی ایران.

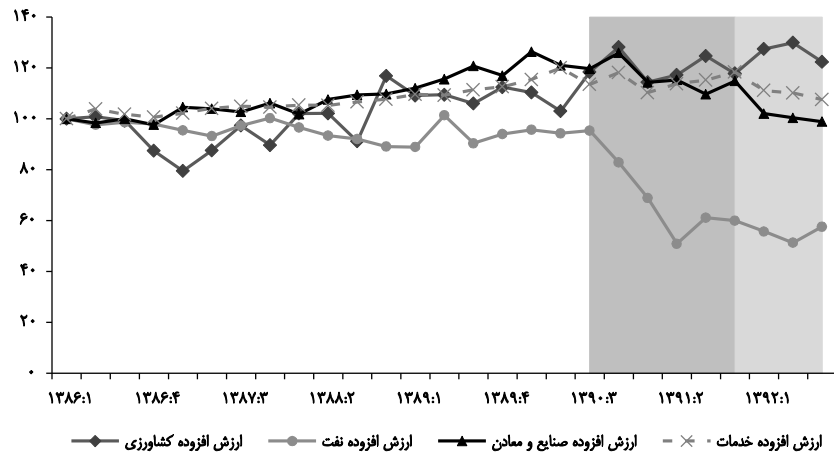
با آغاز فاز تحریم که در ابتدا بانک‌های ملت و صادرات را هدف قرار داده بود، تأمین مالی کالاهای سرمایه‌ای وارداتی بسیار مشکل شد. در عمل خریدار داخلی باید سهم بزرگی از کل هزینه را ابتدا و از مدت‌ها قبل پرداخت می‌کرد. چنین اصطکاک‌های عملاً واردات کالای سرمایه‌ای را بسیار مشکل می‌کرد.^{۱۱} نکته دوم، جانشینی کالای سرمایه‌ای در طول زمان است. با ایجاد تحریم شرکت‌ها و کشورهای تولیدکننده کالای سرمایه‌ای باکیفیت بودند از تجارت و فروش این کالاها به ایران سر باز زدند لذا تولیدکننده ترجیح می‌داد خرید کالای سرمایه‌ای را به تعویق بیندازد تا پس از رفع تحریم بتواند کالای سرمایه‌ای باکیفیت‌تر و متناسب با تکنولوژی سابق اروپایی را وارد کند. بدیهی است عدم قطعیت ناشی از تحریم نیز در جهت جانشینی بین‌زمانی، خرید کالای سرمایه‌ای را به آینده جابه‌جا می‌کند.

۱- در ادامه توضیح داده می‌شود که در فاز عبور از بحران شاخص قیمت صادراتی افت قابل ملاحظه‌ای داشته است که می‌تواند دلیلی بر کاهش خالص صادرات باشد.
۱۱- در بازه بحران، بانک‌ها ۳ درصد بابت پوشش ریسک ارز، اضافه‌تر از نرخ ارز دریافت می‌کردند. در ضمن نرخ تعرفه‌ها نیز تا حدود ۳ ماه با ریال دریافت می‌شد و در فاز بحران هزینه اضافه‌تری اعمال می‌گشت.



نکته دیگر در ترکیب واردات، گسترش واردات از کشورهای در حال توسعه و کاهش واردات از شرکای تجاری صنعتی است. برای مثال در صنعت خودرو در سال ۱۳۸۸ سهم واردات قطعات از کشورهای اروپایی (آلمان، ژاپن و فرانسه) بالغ بر ۳۰ درصد کل ارزش واردات قطعات بود، در حالی که در سال ۱۳۹۲ این رقم به کمتر از ۱۱ درصد از کل ارزش واردات قطعات رسید (رحمتی و کمیاب، ۱۳۹۳). مشابه اجزای واردات می‌توان به تحلیل اجزای تولید نیز پرداخت. نمودار ۳ اجزای تولید را در سال‌های اخیر نشان می‌دهد.

نمودار ۳- ارزش افزوده فصلی به تفکیک بخش‌های اقتصادی (۱۰۰=۱۳۸۶ فصل اول)

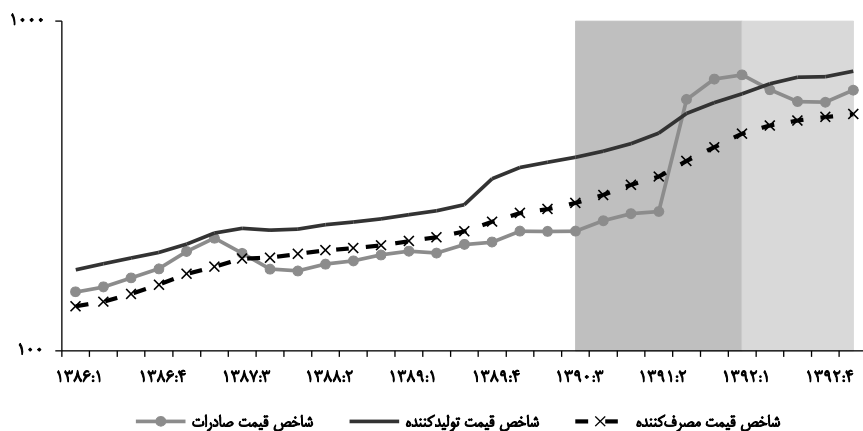


توضیح: این نمودار شاخص تولید در بخش‌های اقتصادی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ را بعد از حذف آثار فصلی نشان می‌دهد. چهار سری زمانی با استفاده از مقادیر خود در فصل اول ۱۳۸۶ نرمال و برابر شده‌اند. مأخذ داده‌ها: حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

بر اساس نمودار ۳ می‌توان ادعا کرد که بیشترین ضربه شوک تحریم به بخش نفت وارد شده است. به صورت خاص، در فاز بحران کاهش شدیدی در ارزش افزوده بخش نفت در کل تولید ناخالص داخلی مشاهده می‌شود. توجه به این نکته ضروری است که ارزش افزوده بخش نفت تابعی از میزان تولید (صادرات) و قیمت نهایی نفت است. به همین دلیل کاملاً محتمل است که تأثیر تحریم مدت‌ها پیش از آغاز فاز بحران آغاز شده باشد، لکن به علت بالا بودن سطح قیمت نفت قابل مشاهده نبوده است. بنابراین در ادامه ضروری است که ارزش افزوده بخش نفت به تفکیک اجزای آن مورد بررسی قرار گیرد. پس از بخش نفت و با کمی تأخیر، بخش صنعت نیز وارد رکود شده است، هرچند شدت رکود در این دو بخش اصلاً قابل مقایسه نیست. طی فاز بحران بخش نفت بالغ بر ۴۶ درصد کوچک شد، در حالی که بخش صنعت در دوره مشابه ۱۸ درصد منقبض گردید. ۱۲ مطابق نتایج این نمودار، بخش کشاورزی از تحریم و آثار مترتب بر آن تقریباً محفوظ مانده است. مشابه این استدلال را می‌توان برای بخش خدمات نیز ارائه کرد.



نمودار ۴- شاخص‌های قیمت (لگاریتم شاخص قیمت)



توضیح: این نمودار شاخص قیمت مصرف‌کننده (1390=100)، شاخص قیمت تولیدکننده (1383=100) و شاخص قیمت صادرات (1383=100) را بر اساس آخرین سال پایه منتشر شده نشان می‌دهد. محور عمودی به صورت لگاریتمی است، لکن مقادیر شاخص به صورت اعداد واقعی نمایش داده شده است. جهت سهولت مقایسه، هر سه شاخص با تقسیم بر عدد شاخص در سال 1383 بازسازی شده‌اند.
مأخذ داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

نمودار ۴ سطح عمومی قیمت‌ها بر حسب مصرف‌کننده، تولیدکننده و کالاهای صادراتی را نمایش می‌دهد. همان‌گونه که در این نمودار مشخص است، شاخص قیمت مصرف‌کننده و تولیدکننده تا پاییز سال 1389 تقریباً با رشدی متوازن افزایش یافته‌اند. در پاییز 1392 که قیمت شاخص‌های انرژی در فاز اول هدفمندی افزایش یافت، فاصله بین شاخص مصرف‌کننده و تولیدکننده افزایش پیدا کرد. بدیهی است که این افزایش پایدار بوده و شکاف بین شاخص مصرف‌کننده و تولیدکننده ثابت مانده است. در فاز بحران که با جهش شدید نرخ ارز همراه بود، فاصله دو شاخص قیمت داخلی مجدداً افزایش یافته است. به بیان دقیق‌تر، دومین جهش مهم در شاخص قیمت تولیدکننده در نیمه دوم سال 1391 و با جهش نرخ ارز رخ داد. برای مقایسه دو تکانه فوق می‌توان اظهار داشت که در اثر شوک هدفمندی، فاصله دو شاخص تولیدکننده و مصرف‌کننده نزدیک به 17 درصد در یک فصل افزایش یافت در حالی که در تابستان 1391 به دلیل جهش شدید نرخ ارز، فاصله دو شاخص 10 درصد در یک فصل افزایش پیدا کرد. به زبان ساده‌تر، شوک هدفمندی یک‌باره و بسیار شدید بود ولی در طول زمان کم‌اثر شد، در حالی که شوک ارز یا تحریم شدید و آنی نبود ولی در طول زمان تشدید شد.

نکته واضح دیگر در نمودار ۴، جهش شدید شاخص قیمت صادرات در تابستان 1391 است. برخلاف شاخص تولیدکننده که جهش قیمتی ارز در آن به مرور رخ داد، جهش قیمتی ارز در شاخص قیمت صادراتکننده ناگهانی بود. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، افزایش قیمت فوق‌چندان به افزایش صادرات غیرنفتی تبدیل نشد زیرا اصطکاک‌های تحریم مانع صادرات بود. سؤال اساسی دیگر که در نمودار ۲ بی‌پاسخ ماند، دلیل کاهش شدید خالص صادرات در دوران عبور از بحران است. بر اساس نمودار ۴ می‌توان با قطعیت ادعا کرد که کاهش شدید قیمت کالاهای صادراتی علت اصلی کاهش شدید خالص صادرات پس از انتخابات 1392 بوده است. این مهم نشان می‌دهد شاید بخش مهمی از ادامه رکود سال 1392 ناشی از کاهش صادرات بوده است. بر اساس نمودار ۲، خالص صادرات بالغ بر ۳ میلیارد دلار (معادل ۹۰ هزار میلیارد ریال) کاهش داشته که نزدیک به ۱,۳ واحد درصد از کاهش ۳,۱ درصدی تولید ناخالص داخلی سال 1392 را توضیح می‌دهد.

۳. تکانه‌های اقتصاد ایران

اقتصاددانان معمولاً برای توضیح افت‌وخیز متغیرهای اقتصاد کلان از تکانه‌های حقیقی و پولی کمک می‌گیرند. بنابراین بررسی اجمالی تکانه‌های خارجی اعم از تحریم و سیاست‌های پولی و مالی دولت نهم و دهم پیش از بررسی رکود تورمی ضروری به نظر می‌رسد.



۱-۳. تکانه تحریم

با توجه به آثار مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌های اقتصادی و عدم تأثیرپذیری آنها از مسائل درون‌زای اقتصاد می‌توان آنها را تکانه‌های برون‌زای وارد بر اقتصاد دانست. این بخش به زمان‌بندی تحریم‌های بین‌المللی اعمال‌شده بر ایران و واکنش‌های سیاست‌گذاران می‌پردازد، واکنش‌هایی که در قالب سیاسی به صورت تصویب بیانیه‌ها و قطعنامه‌ها و در قالب اقتصادی با اعمال سیاست‌های پولی بروز می‌کند. در این بخش ابتدا زمینه‌های قانونی تحریم‌های بین‌المللی اقتصادی و قطعنامه‌های شورای امنیت تا سال ۱۳۸۹ به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد. با کمک گرفتن از رفتار نرخ ارز اسمی به دسته‌بندی مراحل اثرگذاری تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه بین‌المللی، با استناد به قطعنامه‌های وضع‌شده شورای امنیت در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ پرداخته می‌شود.^{۱۳} به صورت خلاصه می‌توان اظهار داشت که تقریباً تمامی تحریم‌های بین‌المللی از سال ۲۰۰۷، با استناد به پنج قطعنامه شورای امنیت در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، که در پی ارائه گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و با هدف محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران وضع شده‌اند، اجرایی گشته‌اند. اولین دور از چهار دور تحریم سازمان ملل در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲ بعد از عدم پذیرش مشوق‌های اقتصادی از سوی ایران در قبال تعلیق برنامه هسته‌ای و تلاش برای ساخت و توسعه موشک‌های بالستیک با در نظر گرفتن فرصت ۶۰ روزه برای لغو قطعنامه در شورای امنیت به تصویب رسید.^{۱۴} مطابق مواد این قطعنامه، کمک به تجهیز برنامه هسته‌ای ایران در زمینه کلیه مواد و تجهیزات ممنوع اعلام شد و همچنین دارایی‌های افراد و شرکت‌های مرتبط با برنامه غنی‌سازی و فرمانده‌های سپاه پاسداران مسدود شد. در مقابل این اقدام شورای امنیت، مجلس شورای اسلامی دولت را ملزم کرد به فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای و تجدید نظر در روابط با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سرعت بخشید.^{۱۵} رئیس‌جمهور وقت اعلام کرد: «امروز سلاح تحریم از کار افتاده و زنگ زده است... دشمنان به دروغ می‌خواهند این‌گونه القا کنند که با صدور این قطعنامه و اعمال تحریم علیه ایران، ایران باید هزینه‌های زیادی را در این ارتباط بپردازد. ولی ما تاکنون هزینه‌ای نپرداخته‌ایم...»^{۱۶}

در تاریخ ۴ فروردین ۱۳۸۶ شورای امنیت، با هدف ایجاد فشار بیشتر بر ایران جهت تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، تحریم‌های قطعنامه ۱۷۳۷ را تمدید کرد و انسداد مجموعه‌ای دیگر از دارایی‌های ایران در خارج از کشور و ممنوعیت فروش تجهیزات نظامی به ایران را در دستور کار قرار داد. هم‌زمان با تصویب قطعنامه ۱۷۴۷، جنبش عدم تعهد مخالفت خود را با هرگونه اقدام نظامی علیه ایران اعلام کرد. در پی این اقدام، هیئت وزیران بخشی از موافقتنامه‌های ایران در راستای افزایش همکاری‌ها با برنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به حالت تعلیق درآورد.^{۱۷} آقای منوچهر متکی، وزیر وقت امور خارجه، نیز اعلام کرد: «تنها خاصیت این قطعنامه آن است که ملت‌ها و دولت‌های آزادی‌خواه دنیا هر چه بیشتر اطمینان یابند که برای احقاق حقوق خود هیچ اعتمادی به مسیرهای چندجانبه و سازوکارهای بین‌المللی نیست.»^{۱۸}

در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۸۶ شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۸۰۳ دور دوم تحریم‌های بین‌المللی را علیه ایران تصویب نمود. بر اساس مفاد این قطعنامه، کشورهای جهان ملزم شدند از صادرات و واردات هرگونه مواد و تجهیزات مرتبط با راکتورها خودداری نمایند. علاوه بر ادامه و تشدید تحریم‌ها روی افراد و شرکت‌ها به ترتیبی که در قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت ذکر شده بودند؛ ۱۲ شرکت، ۱۸ فرد جدید و بانک‌های ملت و صادرات ایران نیز — با هدف محدود کردن تأمین مالی برنامه هسته‌ای — به لیست تحریم‌ها افزوده شدند. همچنین از دولت‌ها خواسته شد تا برای جلوگیری از انتقال مواد ممنوعه، روی محموله‌های مشکوک صادره به (از) ایران، ناوگان خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران محدودیت اعمال نمایند. دکتر محمود احمدی‌نژاد در

۱- از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۸۹، ۱۶ تحریم و قطعنامه از سوی ایالات متحده، شورای امنیت و اتحادیه اروپا علیه ایران به تصویب رسیده در حالی که در سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ بیش از ۲۵ مورد قطعنامه و قانون در مجامع بین‌المللی علیه ایران وضع شده است. به دلیل محدودیت‌هایی که این مصوبات بین‌المللی در زمینه‌های آموزش، تجارت و مبادله، انرژی، فعالیت‌های مالی، هسته‌ای و موشکی، نظامی، انرژی و صدور روادید بر کشور اعمال می‌کنند، در داخل و خارج از کشورها از آنها تحت نام کلی تحریم یاد می‌شود.

۱۴- UNSCR 1737

۱۵ - قانون الزام دولت به تجدیدنظر در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ۶ دی ۱۳۸۵.

۱۶ - مجلس شورای اسلامی، مذاکرات مجلس اول بهمن ۱۳۸۵.

۱۷ - مصوبه هیئت وزیران، الزام دولت به تجدیدنظر در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ۵ فروردین ۱۳۸۶.

۱۸ - نشست شورای امنیت، فروردین ۱۳۸۶.



پاسخ به تصویب این قطعنامه بیان داشت: «همان کاری که با قطعنامه‌های قبلی کردیم با قطعنامه جدید هم می‌کنیم... اگر قدرت‌های زورگو شرایط ملت ایران را نپذیرند در آینده دچار مشکل می‌شوند.»^{۱۹}

شورای امنیت ضمن تأکید بر فعال ماندن چهار قطعنامه پیشین در تاریخ ششم مهر ۱۳۸۷، قطعنامه ۱۸۳۵ را برای ایجاد فشار جهت توقف برنامه هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم علیه ایران به تصویب رساند. در این قطعنامه از کلیه کشورهای عضو سازمان ملل خواسته شده است بدون فوت وقت و به صورت کامل به برنامه تحریم ایران بپیوندند و کشورهایی که تحریم‌های تصویب‌شده را اعمال نکنند، خود مورد تحریم قرار خواهند گرفت. گرچه در این قطعنامه تحریم جدید علیه ایران به تصویب نرسیده است اما فراخوان اجباری سازمان ملل موجب شد تا تحریم‌های چندجانبه و یک‌جانبه متعددی از سوی کشورهای عضو علیه ایران وضع شود. به عنوان مثال، سوئیس دارایی‌های ۱۲ شرکت ایرانی را ضبط نمود، بانک دوویچ آلمان کلیه معاملات ارزی با ایران را قطع کرد، دولت فرانسه به رغم ضرر اقتصادی سنگین فروش کلیه قطعات خودرو به ایران را قطع نمود و علیه تمامی دانشمندان ایرانی در تمامی رشته‌ها تحریم‌هایی وضع کرد. ژاپن نیز دارایی‌های ده شرکت ایرانی را ضبط کرد.

آخرین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران به شماره ۱۹۲۹ مورخ ۱۹ خرداد ۱۳۸۹ بدون رأی مخالف به تصویب رسید. بر اساس این قطعنامه، تمامی کشورهایی که در زمینه وسایل نقلیه زمینی، دریایی یا هوایی نظامی، سیستم‌های موشکی و تولید موشک با ایران همکاری کنند، تحریم خواهند شد. همکاری در این قطعنامه شامل هرگونه مبادله، معامله، آموزش و تأمین مالی می‌شود. علاوه بر این محدودیت‌های مسافرتی، مسدود کردن دارایی‌های منقول و غیرمنقول خطوط دریایی ایران و سپاه پاسداران نیز از مفاد این قطعنامه است. هدف از تصویب این دور از تحریم‌ها، توقف غنی‌سازی اورانیوم، کلیه فعالیت‌های مرتبط با آب سنگین، توسعه موشکی (به طور خاص موشک‌های بالستیک) ذکر شده است. همچنین شورای امنیت، ایران را از تمامی حقوق تجاری مربوط به استخراج، اکتشاف و مبادله اورانیوم و سایر مواد هسته‌ای محروم کرد. رئیس‌جمهور وقت کشور اعلام کرد: «اگر کسی خیال می‌کند این قطعنامه اثر دارد و عده‌ای باید از آن تبعیت کنند اشتباه می‌کند؛ این یک کاغذ بدون ارزش است.»^{۲۰}

به طور خلاصه از ابتدای انقلاب تا قبل از سال ۱۳۸۹، ۱۶ تحریم و قطعنامه از سوی ایالات متحده، شورای امنیت و اتحادیه اروپا علیه ایران به تصویب رسید، در حالی که بر اساس ۵ قطعنامه شورای امنیت^{۲۱} در سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ تنها از سوی ایالات متحده و اتحادیه اروپا بیش از ۳۰ مورد قطعنامه و قانون در مجامع بین‌المللی علیه ایران وضع شده است. قطعنامه‌های شورای امنیت از آن جهت که برای اجرا باید به قوانین درون کشورها و اتحادیه‌ها تبدیل شوند و نیز از آن جهت که برای کشورها این امکان وجود ندارد که در بازه زمانی کوتاه مبادلات تجاری و روابط بین‌المللی خود را با یک کشور به حداقل برسانند با تأخیر و به صورت مرحله به مرحله روی اقتصاد اثر گذاشته است.

در بازه زمانی که تحریم‌ها علیه کشورها تصویب می‌شوند تا هنگامی که از سمت سیاستگذار و آحاد اقتصادی به عنوان یک تکانه حقیقی وارد بر اقتصاد در نظر گرفته می‌شوند، آحاد اقتصادی به روند بلندمدت فعالیت‌های اقتصادی خود ادامه می‌دهند. در این مدت سیاستگذار با فرض اینکه در چرخه طبیعی اقتصاد قرار دارد و تکانه تحریم پایدار نیست، برای جبران آثار تحریم بر اقتصاد، به اعمال سیاست‌های انبساطی پیاپی روی می‌آورد.

از مجموع واکنش‌های سیاستگذار در مقابل تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت می‌توان به این جمع‌بندی رسید که باور تحریم به عنوان یک تکانه اثرگذار بر بخش حقیقی اقتصاد چه به صورت یک تکانه پایدار و چه به عنوان یک تکانه موقت تا سال ۱۳۸۹ میان سیاستگذاران شکل نگرفته است؛ در حالی که با استناد به مجموع وقایعی که می‌توان کلیت آن را در بالارفتن نرخ ارز غیررسمی و فاصله گرفتن آن از نرخ رسمی خلاصه کرد، حساسیت سیاستگذاران به مجموعه تحریم‌های بین‌المللی، به عنوان تکانه‌های تولید، از ابتدای پاییز ۱۳۸۹ تغییر یافت.

۱۹- ۱۴ اسفند ۱۳۸۷.

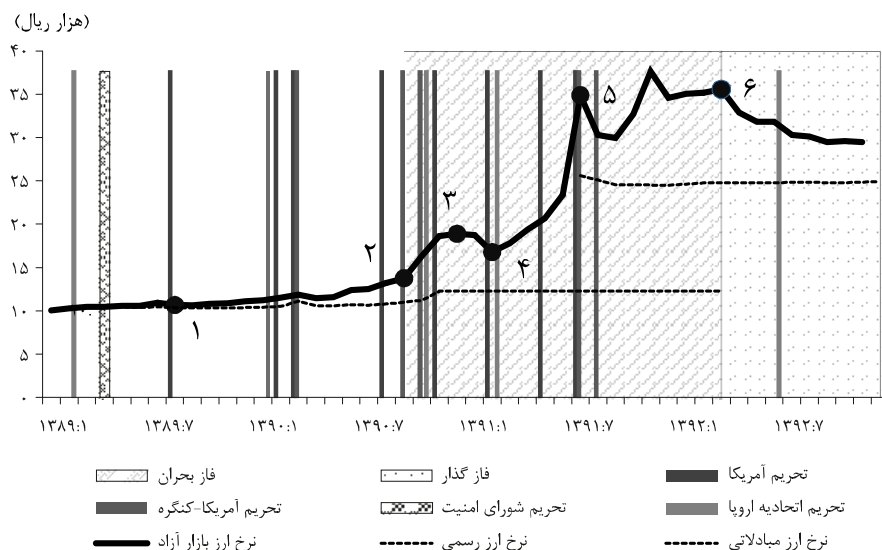
۲۰- محمود احمدی‌نژاد در نشست خبری در حاشیه بازدید از اکتیو ۲۰۱۰ شانگهای، ۲۰ خرداد ۱۳۸۹.



در دسترس ترین متغیر اقتصادی که امکان مشاهده آن با تواتر روزانه وجود دارد، نرخ ارز اسمی در بازار آزاد است. نرخ ارز اسمی به عنوان قیمت یک دارایی، پیش‌بینی‌های آینده‌نگر آحاد اقتصادی را منعکس می‌کند. تجربه افت نرخ ارز اسمی بلافاصله بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ تحمیلی و همچنین بالا رفتن نرخ ارز در ابتدای دهه ۸۰ و وقوع بحران بدهی نشان می‌دهد که نرخ ارز اسمی می‌تواند بر وضعیت روابط بین‌المللی، وضعیت تراز پرداخت‌ها و برآورد آحاد اقتصادی از دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی، دلالت داشته باشد. از سوی دیگر باید توجه داشت که نرخ ارز اسمی از مسیرهای نرخ ارز حقیقی و در نتیجه قیمت تمام‌شده کالاهای وارداتی، سازوکار تبدیل درآمد حاصل از فروش نفت خام به ریال و همچنین هزینه فرصت سرمایه‌گذاری بر مصرف خانوار، قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌های،^{۲۲} مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری دولتی و همچنین سرمایه‌گذاری خصوصی و در نهایت، تولید حقیقی، اثر می‌گذارد. بنابراین برای بررسی تکانه تحریم بر اقتصاد ایران و تصمیم‌گیری در زمینه مراحل اثرگذاری تحریم از این متغیر استفاده شده است.

به رغم آنکه در ۹ سال - ابتدای ۱۳۸۱ تا ابتدای ۱۳۸۹- نرخ ارز از ۸۰۰۰ ریال به ۱۰۳۶۰ ریال در مقابل هر دلار رسیده بود و علاوه بر این شکاف بین نرخ ارز رسمی و نرخ ارز بازار ناچیز و تقریباً صفر بود، همان‌گونه که در نمودار ۵ مشاهده می‌شود، از ابتدای پاییز ۱۳۸۹ تا خرداد ۱۳۸۹ نرخ ارز اسمی در بازار آزاد با شتابی فزاینده رشد کرد و از نرخ ارز رسمی فاصله گرفت.

نمودار ۵- نرخ ارز اسمی به همراه زمان‌بندی تحریم‌های اعمال شده



توضیح: این نمودار نرخ ارز اسمی را به همراه تاریخ تصویب تحریم‌های دولت آمریکا، اتحادیه اروپا، کنگره آمریکا و شورای امنیت نشان می‌دهد. پس زمینه هاشور مورب نشان‌دهنده بازه‌ای است که نرخ ارز اسمی با سرعت از نرخ ارز رسمی فاصله گرفته است و بانک مرکزی به صورت متغیر در بازار ارز عمل می‌کند. در بازه بحران اقتصاد در رکود به سر می‌برد، انباشت سرمایه کاهش یافته و واردات کالاهای سرمایه‌ای به شدت افت کرده است. در این نمودار ۶ نقطه مشخص شده‌اند: (۱) امارات متحده عربی مبادلات تجاری خود با ایران را به نصف کاهش داده است (اولین جهش در نرخ ارز اسمی) (۲) ایالات متحده سه تحریم شدید مالی علیه نفت ایران و صنایع مرتبط و بانک مرکزی ایران وضع کرده و همچنین اعلام داشته که تمامی کشورها، نهادها و سازمان‌هایی که از تحریم ایران خودداری کنند را تحریم خواهد کرد، بانک نور امارات نیز مبادلات خود با ایران را قطع می‌کند. (۳) تعدیل نرخ سود اوراق مشارکت و سپرده‌های بانکی از سوی بانک مرکزی و آرامش نسبی بازار ارز، (۴) اتحادیه اروپا واردات نفت از ایران را تحریم می‌کند، مؤسسه بین‌المللی سوئیفت، ایران را تحریم می‌کند. (۵) آغاز به کار اتاق مبادلات ارزی (۶) انتخابات ریاست جمهوری و آغاز فاز عبور از بحران. مأخذ داده‌ها: نتایج تحقیق.

۳-۲. تکانه پولی و مالی



یکی از مباحث اساسی در تحلیل رکود تورمی سیاست‌های پولی و مالی است که در یک دهه اخیر در ایران از سوی دولتمردان و بانک مرکزی پیگیری شده است. در این بخش علاوه بر مطالعه سیاست‌های انقباضی و انبساطی در سال‌های مختلف به این سؤال مهم پرداخته می‌شود که آیا در یک دهه اخیر سیاست‌های دولت و بانک مرکزی اثبات بوده است. همچنین تأکید ویژه بر ابزارهای سیاست‌گذاری پولی و مالی خواهد بود. نکته اساسی دیگر، استقلال بانک مرکزی است. بانک مرکزی در سیاست‌گذاری پولی چه قدر مستقل از دولت بوده است؟ آیا دولت برای پیشبرد برنامه‌های خود از منابع و اعتبار بانک مرکزی استفاده کرده است؟ برای پاسخ به این سؤالات این مقاله تأثیرگذارترین سیاست‌های پولی و بانکی در یک دهه اخیر را مرور می‌کند.

دکتر ابراهیم شیبانی از سال ۱۳۸۲ و پیش از آغاز دولت نهم عهده‌دار ریاست بانک مرکزی بود. دولت نهم در ابتدای شروع به کار خود طرح بنگاه‌های زودبازده را، به عنوان بزرگ‌ترین طرح اشتغال‌زایی کشور، به اجرا گذاشت. در قالب این طرح بانک‌های دولتی مکلف شدند در اعطای تسهیلات، اولویت‌های دولت را در توسعه مناطق در نظر بگیرند. بدیهی است سیاست تکلیفی فوق می‌توانست آثار پولی انبساطی شدیدی در پی داشته باشد. در همین راستا در سال ۱۳۸۵ و در ۵ مرحله بانک مرکزی اوراق مشارکت با نرخ ۱۵٫۵ درصد صادر کرد. به رغم این سیاست انقباضی، نرخ رشد نقدینگی در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۳۹٫۴ درصد بود. البته دخالت دولت در سیاست‌های پولی به تسهیلات تکلیفی محدود نشد و در همین سال دولت ایده کاهش دستوری نرخ بهره را نیز پیش گرفت. برای مثال در سال ۱۳۸۵ نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی برای عقود مبادله‌ای، ۱۴ درصد و برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی، ۱۷ درصد تعیین گردید. بدون کاهش چشمگیر در تورم و در عین مخالفت اقتصاددانان، در خرداد ۱۳۸۶ این نرخ برای بانک‌های دولتی، ۱۲ درصد و برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی، ۱۳ درصد تعیین شد.

در شهریور ۱۳۸۶ و در پی استعفای ابراهیم شیبانی، طهماسب مظاهری به عنوان رئیس کل بانک مرکزی انتخاب شد. در آبان این سال، اولین سیاست پولی، حراج انواع سکه در بانک کارگشایی بود. هم‌زمان، ریاست جدید در پی انضباط شدید پولی بود که به طرح سه‌قفل شدن بانک مرکزی معروف شد. طهماسب مظاهری سیاست جدید بانک مرکزی را این‌گونه توصیف کرد:

«من درب خزانه بانک مرکزی را روی بانک‌های تجاری برای برداشت منابع از جهت ارائه وام به مردم می‌بندم و آن را سه‌قفل کرده‌ام و یکی از کلیدهای آن را جایی قرار داده‌ام که هیچ‌کس به آن دسترسی پیدا نکند.»^{۲۳}

در قالب این سیاست انقباضی، روند تزریق منابع پولی به طرح‌ها و پروژه‌ها، اعم از تسهیلات عادی یا تکلیفی از منابع بانک مرکزی محدود و تا حدی متوقف شد. بانک‌ها مجاز نبودند برای انجام تعهدات و تکالیف خود نسبت به اضافه برداشت از بانک مرکزی اقدام کنند. طرح انقباضی بانک مرکزی با دو برنامه انتشار و عرضه اوراق مشارکت بانک مرکزی با نرخ سود ۱۵٫۵ درصد در ۲۷ بهمن ۱۳۸۶ و حراج سکه در ۱۷ بهمن و ۱۶ اسفند پیگیری شد.

جدول ۳، اقلام پولی به تفکیک رؤسای بانک مرکزی را به تصویر می‌کشد.

جدول ۳- سیاست‌گذاری پولی به تفکیک رؤسای کل بانک مرکزی

میانگین رشد سالانه طی دوره (درصد)				پایان دوره	شروع به کار	رئیس کل بانک مرکزی
کل بدهی به بانک مرکزی		نقدینگی	پایه پولی			
مؤسسات دولتی	دولت					
۳۶٫۳	۲۲٫۳	۷۹٫۹	۶۶٫۴	۱۴ شهریور ۱۳۸۶	اردیبهشت ۱۳۸۲	ابراهیم شیبانی
۱۴۱٫۸	۸۹٫۵	۱۱۵٫۱	۱۳۵٫۸	۱۵ مهر ۱۳۸۷	۱۴ شهریور ۱۳۸۶	طهماسب مظاهری
۱۰۳٫۸	۲۹٫۶	۶۰٫۶	۴۵٫۳	۳ شهریور ۱۳۹۲	۱۵ مهر ۱۳۸۷	محمود بهمنی



ولی‌اله سیف	۳ شهریور ۱۳۹۲	زمستان ۱۳۹۲	۲۳,۷	۳۳,۰	-	-
-------------	------------------	-------------	------	------	---	---

توضیح: رشد سالانه به صورت نرخ رشد ساده از کل رشد پایان دوره به ابتدای دوره محاسبه شده است. در زمان محاسبه جدول داده‌های نقدینگی تا پایان بهمن ۱۳۹۲ در دسترس بود. منبع: نتایج تحقیق.

بخش کلیدی طرح تحول اقتصادی که در ابتدای سال ۱۳۸۷ توسط رئیس‌جمهور وقت اعلام گردید، طرح هدفمندکردن یارانه‌ها بود. به رغم عزم دولت در اجرای این طرح، فرایند تصویب و اجرای طرح بالغ بر دو سال زمان برد و در نهایت در ۲۸ آذر ۱۳۸۹ فاز اول قانون هدفمندکردن یارانه‌ها اجرایی گشت و حامل‌های انرژی، آب و نان در سراسر ایران با بهای جدید ارائه شدند. طبق مصوبه مجلس، دولت باید یک ماه پس از هدفمندی و آزادسازی قیمت‌ها، تنها ۵۰ درصد از وجوه حاصله را به مردم پرداخت می‌کرد، لکن دولت با برداشت از منابع بانک مرکزی پیش از اجرای طرح، یارانه مردم را واریز کرد.

میزان درآمد حاصل از هدفمندی یارانه‌ها از ۲۸ آذر ۱۳۸۹ تا ۳۱ خرداد ۱۳۹۱، ۳۰۰ هزار و میزان مصارف ۶۲۰ هزار میلیارد ریال بوده که این ارقام نشان‌دهنده کسری ۳۲۰ هزار میلیارد ریالی طرح است. دولت بخش زیادی از پرداخت‌های نقدی را از طریق شرکت‌های آب و فاضلاب و گاز تأمین کرد و به اندازه ۵۷ هزار میلیارد ریال از منابع بانک مرکزی در تأمین مالی این طرح مصرف شد. ذکر این نکته ضروری است که به رغم افزایش قیمت بنزین از ۳۵۰۰ به ۷۰۰۰ ریال در ابتدای طرح، در نتیجه تورم سال‌های اخیر قیمت حقیقی بنزین پیش از آغاز فاز دوم هدفمندی کمتر از زمان آغاز طرح شد (عزیزی راد، ۱۳۹۳).

با اینکه دولت نتوانست برنامه انبساط مالی هدفمندی یارانه‌ها را در سال ۱۳۸۷ اجرایی کند، ولی در همین سال طرح‌های مسکن مهر، مسکن شهری، مسکن روستایی و مسکن ایثارگران به کمک تسهیلات بانکی آغاز شد. در مهر ۱۳۸۶ طهماسب مظاهری به دلیل مخالفت با طرح‌های دولت استعفا داد و محمود بهمنی به ریاست بانک مرکزی انتخاب گردید. در همان ابتدای انتصاب، رئیس‌کل بانک مرکزی در سخنرانی مورخ ۱۳۸۷/۰۹/۰۴ اعلام کرد که ۵ هزار میلیارد ریال خط اعتباری برای طرح مسکن مهر در نظر خواهد گرفت.^{۲۴} همچنین ریاست بانک مرکزی در بهمن ۱۳۸۶ موضع رسمی بانک مرکزی مبنی بر عدم محدودیت بانک‌ها برای اعطای تسهیلات مسکن مهر را رسماً اعلام کرد. به رغم این موضع، در اردیبهشت ۱۳۸۸ بانک‌های خصوصی از پرداخت تسهیلات خرید مسکن منع شدند. از مهم‌ترین سیاست‌های پولی سال ۱۳۸۸ تغییر در نرخ ذخیره قانونی بانک‌های تجاری بود. در آذر ۱۳۸۸ بانک مرکزی برای اینکه بتواند تسهیلات بانکی را افزایش دهد، نرخ ذخیره قانونی را از ۱۷ به ۱۰ درصد کاهش داد تا با اعمال سیاست انبساطی، حمایت بیشتری از واحدهای تولیدی و صنایع کشور به عمل آورد.

سیاست‌های پولی رایج برای کنترل نقدینگی در سال ۱۳۹۰ چندان کارساز نبود. در مهر ۱۳۹۰ بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار، اوراق مشارکت بانک مرکزی با نرخ سود علی‌الحساب ۱۷ درصد منتشر شد. در بهمن همان سال، مدیرکل اعتبارات بانک مرکزی عملکرد انتشار این اوراق را به دلیل نرخ سود پایین، ضعیف خواند. در همین ماه، مدیرکل اعتبارات بانک مرکزی از تصمیمات اتخاذشده توسط اعضای شورای پول و اعتبار مبنی بر افزایش نرخ سود علی‌الحساب اوراق مشارکت قبلی تا سقف ۲۰ درصد خبر داد. ذکر این نکته ضروری است که در پاییز سال ۱۳۹۰ بر اساس فزبندهی بخش گذشته با جهش ناگهانی نرخ ارز، فاز بحران آغاز شده بود. به عبارت دیگر بر اساس شواهد موجود، آغاز فاز بحران هم‌زمان با کاهش قدرت بانک مرکزی در ابزارهای سیاست‌گذاری بود.

در ادامه فاز بحران، ادامه سیاست دفاع از نرخ ارز رسمی برای بانک مرکزی مقدور نبود. به همین جهت بانک مرکزی در مهر ۱۳۹۱، مرکز مبادلات ارزی را تأسیس کرد تا نیاز ارزی واردکنندگان کالاها و خدمات را تأمین نماید و ثبت دقیق و کنترل مصارف ارزی را انجام دهد. در این راستا وزارت صنعت، معدن و تجارت در جلسه مشترک با بانک مرکزی موضوع اولویت‌بندی کالاها به ۱۰ گروه کالایی را مطرح نمود. در سال ۱۳۹۱ سیاست‌های انقباضی پولی بانک مرکزی از طریق انتشار اوراق مشارکت و پیش‌فروش سکه به اجرا درآمد.^{۲۵} در ماه‌های مهر، آذر، دی، بهمن و اسفند این سال اوراق مشارکت منتشر شد. پیش‌فروش سکه در این سال طی چهار مرحله

۱- سخنرانی رئیس‌کل بانک مرکزی در همایش مسکن مهر، ۴ آذر ۱۳۸۷.

۲- انتشار اوراق مشارکت و فروش سکه لزوماً سیاست انقباضی نیست و از سوی دیگر این سیاست‌ها گویای تمام سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی نیست. زیرا بانک مرکزی هم‌زمان از طریق دیگری پایه پولی را افزایش می‌دهد ولی دست به فروش اوراق مشارکت می‌زند. دقیقاً یکی از انتقادات وارد، همین سیاست‌های یک بام و دو هواست. از سوی دیگر اگر



اجرا شد. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، محمود بهمنی در اسفند ۱۳۹۱ اظهار داشت تحلیل اجزای پایه پولی نشان می‌دهد تغییر رفتار مالی دولت در ماه‌های اخیر باعث شده تا خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی، بیشترین سهم از رشد پایه پولی را به خود اختصاص دهد.

در مطالعه کوتاه فوق نشان داده شد سیاست پولی بانک مرکزی هرگز مستقل نبوده و هزینه بسیاری از برنامه‌های دولت توسط بانک مرکزی تأمین شده است. دوم نشان داده شد که سیاست‌های پولی به شدت از جنس کج دار و مرینز بوده‌اند. به دفعات در فاصله‌های زمانی کوتاه‌مدت، سیاست‌های پولی از شکل انبساطی به انقباضی و برعکس تبدیل شده است. همچنین بحث شد که سیاست مالی دولت به سمت بی‌انضباطی با ماهیت انبساطی پیش رفت. علاوه بر سیاست‌های پولی و مالی که می‌توانست پیش‌زمینه رکودتورمی باشد، تحریم‌ها نیز به مرور شدیدتر شد. گرچه تحریم از مدت‌ها پیش تصویب شده بود ولی از طرف سیاستگذار جدی تلقی نگشت و هرگز، سیاست‌های اقتصادی مقابله با تحریم طراحی و پیاده‌سازی نشد. برعکس سیاست‌های انبساطی پولی و مالی که کشور را در موضع ضعف و خطر رکودتورمی قرار می‌دادند پیش گرفته شد. بخش بعد، اثر این تکانه‌های پولی و مالی در اقتصاد ایران و اثر آنها بر رکودتورمی را واکاوی می‌کند.

۴. علل رکودتورمی

برای تحلیل رکودتورمی دو نظریه غالب در ادبیات طرح می‌شود. در نظریه اول رکودتورمی ناشی از شوک عرضه منفی همراه با سازوکارهای تشدیدکننده است که به صورت کمی رفتار رکودتورمی را توضیح می‌دهد. مطابق نظر دوم، شوک‌های تقاضا ناشی از سیاست‌های پولی و بی‌انضباطی‌های مالی در شرایط خاص می‌تواند رکود و تورم را توضیح دهد. در این بخش تکانه‌های اقتصاد ایران که در بخش قبل توضیح داده شدند در قالب دو نظریه فوق بررسی می‌گردند.

۴-۱. رکودتورمی با منشأ شوک عرضه

همان‌گونه که شرح داده شد، رکودتورمی پدیده‌ای منحصر به فرد در اقتصاد است که مطابق آن هم‌زمان، تورم بالا و رکود شدید رخ می‌دهد. بسیاری از پژوهشگران متفق‌القول هستند که شوک عرضه یکی از عوامل بنیادی در ایجاد رکودتورمی است. چنانکه توضیح داده شد با حرکت منحنی عرضه به سمت چپ، تورم و رکود به صورت هم‌زمان رخ می‌دهند. برای مثال در توضیح رکودتورمی دهه ۱۹۷۰ آمریکا محققان نشان داده‌اند که شوک نفت نقش اساسی داشته است.^{۲۶} شوک نفتی برای اقتصاد کشورهای صنعتی که عمدتاً واردکننده نفت خام هستند به عنوان مالیات بر مواد میانی عمل می‌کند. در این صورت بنگاه‌های اقتصادی کشورهای صنعتی با افزایش هزینه مواد اولیه برون‌زا روبه‌رو می‌شوند که به نوعی مشابه مالیات تورمی است. با افزایش قیمت نفت، قیمت کالاهای میانی افزایش می‌یابد و هم‌زمان بنگاه‌های صنعتی در آمریکا تولید خود را کاهش می‌دهند. در این صورت رکود و تورم هم‌زمان رخ می‌دهند.

از ادبیات نظری فوق می‌توان در توضیح رکودتورمی سال‌های اخیر ایران بهره جست. همان‌طور که در بخش دوم توضیح داده شد، مهم‌ترین تکانه عرضه که بر اقتصاد ایران وارد شده، تحریم است. تحریم در این کارکرد مشابه مالیات بر کالاهای وارداتی است که باعث می‌شود قیمت کالاهای وارداتی افزایش یابد. تحریم علاوه بر اثر درآمدی، مشابه مالیات بر درآمد شهروندان یک کشور است و موجب افزایش نااطمینانی از آینده نیز می‌شود. نااطمینانی میزان سرمایه‌گذاری در بخش حقیقی اقتصاد را کاهش می‌دهد و هم‌زمان ذخیره احتیاطی ارزهای خارجی را می‌افزاید. بنابراین تحریم حداقل از دو طریق به صورت مستقیم بر تورم تأثیر می‌گذارد. برای اندازه‌گیری دقیق اثر تحریم بر تورم سال‌های اخیر باید از روش‌های اقتصادسنجی استفاده شود. ارزیابی سرانگشتی اثر تحریم بر تورم قیمت یک کالای مبادله‌ای و غیرمبادله‌ای در جدول ۴ مقایسه شده است.

بانک مرکزی، پولی که از طریق فروش اوراق مشارکت به دست آورده را به بازار تزریق کند، عملاً سیاست انقباضی رخ نداده و تنها شکل گردش پولی تغییر یافته است. به این دلایل نگارندگان ادعایی در خصوص قالب خاصی از سیاستگذاری پولی هر دوره ندارند.

۱- در دهه ۱۹۷۰ از دو شوک نفتی ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴ که جهش دائمی قیمت نفت ناشی از تحریم اوپک بود و شوک نفتی ۱۹۷۹ که جهش موقتی قیمت نفت ناشی از انقلاب ایران بود، به عنوان شوک‌های عرضه نام برده شده است.



جدول ۴- شاخص قیمت کالا بر حسب امکان مبادله بین الملل

فصل اول ۱۳۸۹	فصل چهارم ۱۳۹۱	
۷۳,۲	۱۶۸,۰	کالای مبادله‌ای
۸۱,۱	۱۱۹,۴	کالای غیرمبادله‌ای

توضیح: کالای مبادله‌ای برابر شاخص قیمت گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و قیمت کالای غیرمبادله‌ای برابر شاخص قیمت گروه مسکن، آب و برق و سوخت در نظر گرفته شده است. اگر کالای مبادله‌ای دخانیات یا پوشاک و کفش منظور شود، میزان تأثیر تورمی تحریم ۲۷ درصد و اگر اثاث و لوازم مورد استفاده در منزل در نظر گرفته شود، اثر تورمی تحریم ۲۴ درصد است. اگر سال پایه به فصل اول سال ۱۳۹۰ پس از اجرای هدفمندی یارانه‌ها منتقل شود، اثر تورمی تحریم برای طبقه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها ۲۴ درصد به دست می‌آید. مأخذ داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

یک روش ساده برای محاسبه اثر تحریم بر تورم، استفاده از روش اختلاف — در — اختلاف^{۲۷} است. در این روش، کالاهای غیرمبادله‌ای در کل دوره ۱۳۸۹:۱-۱۳۹۱:۴ نزدیک به ۵۰ درصد افزایش تورم و کالاهای مبادله‌ای حدود ۱۲۹ درصد تورم در کل دوره داشته‌اند. اختلاف این دو نرخ تورم، ۲۲ درصد تورم سالانه است که می‌توان ادعا کرد به صورت سرانگشتی اثر تحریم (اعم از افزایش قیمت میانی، افزایش قیمت دلار و افزایش نااطمینانی و افزایش ذخیره احتیاطی) را توضیح می‌دهد.

مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که شوک عرضه نفتی در دهه ۱۹۷۰ نمی‌تواند کل افزایش تورم و کاهش رکود در آمریکا را توضیح دهد. به عبارت دیگر در نظر گرفتن عوامل دیگری که در اقتصاد نقش تشدیدکننده شوک را داشته‌اند نیز برای توجیه رکودتورمی ضروری است. برای مثال در رکودتورمی دهه ۱۹۷۰ آمریکا بلایندر و راد^{۲۸} (۲۰۰۸) در یک مطالعه کمی نشان داده‌اند در کنار شوک نفتی، شوک قیمت مواد غذایی و همچنین اتمام برنامه کنترل دستمزد نیکسون از عوامل مهم رکودتورمی بوده است. برونو و سکس^{۲۹} (۱۹۷۹) نشان می‌دهند عدم انعطاف دستمزدها موجب افزایش بیکاری در جامعه و تعمیق رکود می‌شود. به عبارت دیگر اگر دستمزدها به اندازه کافی کاهش پیدا نکنند، تقاضای نیروی کار کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد. این سازوکار به تعمیق رکود می‌انجامد. گرچه هر دو عامل فوق در رکودتورمی ایران مؤثر بوده اما به نظر می‌رسد درجه اهمیت عدم انعطاف دستمزدها و شوک مواد غذایی ثانویه بوده است.

بخش مهمی از ادبیات بحث کرده‌اند که اشتباه‌های سیاستگذاری، بخصوص پولی، در زمان یک شوک عرضه منفی عامل اصلی تعمیق و تشدید رکودتورمی بوده است. برای مثال در رکودتورمی دهه ۱۹۷۰ آمریکا، اشتباه بانک مرکزی در تخمین شکاف تولید واقعی از تولید بالقوه، موجب عکس‌العمل بیش از حد سیاستگذار شد و در نتیجه انبساط پولی به گسترش تورم دامن زد. به نظر می‌رسد این عامل نیز در ایران بسیار مؤثر بوده است زیرا دقیقاً سال قبل از تحریم، سیاست‌های پولی و مالی به شدت انبساطی بوده‌اند. جدول ۵ اجزای سیاست‌های پولی را در خلال سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ نشان می‌دهد.

۲۷- Difference- in- Difference

۲۸- Blinder & Rudd

۲۹- Bruno & Sachs



جدول ۵- سیاست‌های پولی و مالی در دوران رکودتورمی (حقیقی)

کسری (-) یا مازاد (+)	پرداخت‌ها	درآمدها	بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بانک‌ها	بدهی دولت به بانک‌ها	بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به بانک مرکزی	بدهی دولت به بانک مرکزی	
-۱۸۲۰۱۲,۰۷	۱۰۷۸۴۰۱,۶ ۴	۸۹۶۳۸۹, ۷۷	۷۶۳۳۴,۳ ۹	۲۹۵۷۴,۹۳ -	۸۸۰۴,۷	۹۰۶۸۵,۳۷	۱۳۸۶
-۴۵	-۱۴,۴	-۳,۵	-۲۳,۸	۷۲,۵	۲۴۷,۶	-۱۳,۴	نرخ رشد (درصد)
۳۱۷۲۲۷,۹۸ -	۱۳۱۸۵۱۳,۷ ۲	۹۰۱۲۸۵,۷ ۵	۵۳۱۸۰,۳۸	۱۷۰۸۵,۰۲	۱۸۱۲۴,۹۷	۷۸۵۲۱,۲۵	۱۳۸۷
۷۴,۳	۱۳	۰,۵	-۳۰,۳	۱۵۷,۸	۱۰۵,۹	-۱۳,۴	نرخ رشد (درصد)
۲۲۷۶۸۴,۱۳ -	۱۰۸۱۰۴۶,۹ ۸	۸۵۳۳۶۲, ۸۵	۳۹۹۰۰,۰۷	۱۳۳۷۹۷,۹ ۱	۲۴۰۱۶,۲۴	۷۹۷۳۷,۲۸	۱۳۸۸
-۲۸,۲	-۱۱,۳	-۵,۳	-۲۵	۶۸۳,۱	۳۲,۵	۱,۵	نرخ رشد (درصد)
-۶۳۳۱۴,۴	۱۰۵۹۵۵۰,۳ ۱	۹۹۶۲۳۵, ۹۲	۳۶۹۸۸,۰۵	۲۷۴۶۹۳,۴ ۲	۳۳۴۰۸,۳۵	۱۹۰۰۳۸,۳۲	۱۳۸۹
-۷۲,۲	-۲	۱۶,۷	-۷,۳	۱۰۵,۳	۳۹,۱	۱۳۸,۳	نرخ رشد (درصد)
-۵۲۳۱۹,۴۴	۱۱۶۶۶۰۵,۶ ۸	۱۱۱۴۲۸۶,۲ ۴	۲۴۹۶۹,۱	۳۹۴۵۹۸,۳	۱۲۵۰۴۰,۷	۹۳۸۶۸	۱۳۹۰
-۱۷,۴	۱۰,۱	۱۱,۸	-۳۲,۵	۴۳,۷	۲۷۴,۳	-۵۰,۶	نرخ رشد (درصد)
-۳۴۸۹۰,۰۱	۷۹۸۴۱۹,۸ ۷	۷۶۳۵۲۹, ۸۶	۲۹۵۱۰,۳۴	۶۰۴۴۹۱,۰۳	۱۹۵۰۳۴,۶۷	۱۳۹۷۲۳,۴۸	۱۳۹۱
-۳۳,۳	-۳۱,۶	-۳۱,۵	۱۸,۲	۵۳,۲	۵۶	۴۸,۹	نرخ رشد (درصد)

توضیح: این جدول مقادیر سالانه متغیرهای بودجه را به صورت حقیقی شده با شاخص قیمت مصرف‌کننده (۱۰۰=۱۳۹۰) به همراه نرخ رشد سالانه آنها نشان می‌دهد. کسری بودجه مجموع تراز عملیاتی و سرمایه است. چهار ستون اول، مانده بدهی دولت و شرکت‌های دولتی را به بانک مرکزی و بانک‌ها نمایش می‌دهد. مقادیر حقیقی با توجه به مقادیر سال ۱۳۹۰ به دست آمده‌اند به این ترتیب که اختلاف مانده بدهی در دو سال پیاپی بر شاخص قیمت آن سال تقسیم و از میزان بدهی سال قبل کم شده است. نرخ رشدهای به دست آمده به سال پایه حساس هستند. دلیل استفاده از سال ۱۳۹۰ به عنوان مبنا، ۱۰۰ بودن شاخص قیمت مصرف‌کننده در این سال است.
مأخذ داده‌ها: نشریه نماگرهای اقتصادی شماره ۷۱.

جدول ۵ دو نظم آماری مهم در خصوص سیاست‌های مالی دولت را نمایان می‌کند. اول رفتار کج دار و مریز سیاست‌گذاری در ایران است. در دیگر رکودهای تورمی در دنیا نیز مشاهده شده است که سیاست‌های کج دار و مریز پیش‌زمینه رکودتورمی بوده است. برای مثال در آمریکا شوک نفتی عرضه به تنهایی توانایی توضیح شدت رکودتورمی را ندارد و در عمل سیاست‌های بانک مرکزی در انقباض و انبساط‌های شدید دهه ۱۹۷۰ است که به تشدید رکودتورمی دامن زده است. مثال واضح دیگر شیلی است. سیاست‌های انبساطی شدید آئنده^{۳۰} همراه با بی‌نظمی بالای مالی و سپس سیاست‌های انقباضی شدید پینوشه،^{۳۱} زمانی که با کاهش قیمت مس (کالای اصلی صادراتی شیلی) همراه شد، رکودتورمی شدیدی را پدید آورد که بالغ بر یک دهه تداوم یافت. در ایران نیز سیاست‌های کج دار و مریز به عنوان عامل تشدیدکننده شوک منفی عرضه عمل کرده و بر شدت رکودتورمی افزوده است.

نمود دیگر سیاست‌های کج دار و مریز، افزایش کسری بودجه بالای دولت در سال‌های اخیر بوده است. وجه مشترک رکودهای تورمی کشورهای دیگر نیز افزایش کسری بودجه دولت و افزایش بدهی به سیستم بانکی است. برای مثال در کشورهای آلمان، لهستان و اتریش پس از جنگ جهانی اول، کسری بودجه بسیار بالای این کشورها ناشی از پرداخت غرامت، ازهم‌پاشیدگی نظام مالیاتی و سیاسی، پرداخت‌های

۱- سالوادره آئنده (Salvador Allende) رئیس‌جمهور شیلی در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳.

۲- آگوستو پینوشه (Augusto Pinochet) رئیس‌جمهور شیلی در سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۰.



اجتماعی و یارانه‌های مواد غذایی و موارد دیگر بود. در رژیم صهیونیستی نیز کسری بودجه بالای این کشور ناشی از سیاست‌های توزیع یارانه و موارد مشابه دیگر منشأ اصلی رکود تورمی بود. در مطالعات بسیاری که در این کشورها انجام شده است نیز عیان شده که کسری بودجه بالای دولت می‌تواند یکی از عوامل تشدیدکننده رکود تورمی باشد.

نکته دوم در جدول ۵، سیاست‌های انبساطی شدید در دوران پیش از بحران است. یکی از سیاست‌های اصلی انبساطی دولت در سال ۱۳۸۹ برنامه هدفمندی یارانه انرژی بوده است. کسری بودجه بالای دولت و برداشت از پایه پولی در این طرح، علاوه بر اینکه به سیاست‌های به شدت انبساطی پولی انجامید، تقاضا را نیز به صورت افزایشی جابه‌جا کرد. بدهی دولت به بانک مرکزی در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۸، ۱۳۹ درصد افزایش یافت. همان‌گونه که در نمودار ۴ اشاره شد، هدفمندی یارانه‌ها موجب شکاف بیشتر شاخص قیمت مصرف‌کننده و تولیدکننده شد و فشار بر تولید را افزایش داد. اما نکته اساسی دیگر در فاز اول هدفمندی، افزایش تورم ناشی از کسری بودجه دولت به دلیل اعطای یارانه بود. در این مثال اگر فرض شود کسری بودجه دائمی طرح به صورت سالانه ۱۴۰ هزار میلیارد ریال روی ۶۸ هزار میلیارد پایه پولی سال ۸۹ بوده و کشش تقاضای پول به نرخ سود بانکی ۰٫۵ فرض شود، از رابطه انتظارات تورمی کاگان افزایش نرخ تورم حدود ۱۰ درصد حاصل می‌گردد (کاگان، ۲۰۰۰: ۳۲).

$$\pi_t = \frac{1}{1-c} \sum_{i=0}^{i=\infty} (c^i E_t \Delta m_{t+i})$$

البته افزایش نرخ تورم ۱۰ درصدی فاز اول هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند به انواع مختلف تعبیر شود. اول آنکه کل کسری بودجه این طرح روی پایه پولی نشسته است و بخش بزرگی از طریق درآمد شرکت‌های دولتی یا فروش دارایی‌ها تأمین شده است. لذا عدد ۱۰ درصد به نوعی سقف تورمی فاز اول هدفمندی ناشی از کسری بودجه بوده است.^{۳۳} اگر این تعبیر درست باشد، در مقایسه با عدد تقریبی اثر تورمی تحریم می‌توان اظهار داشت که اثر تورمی فاز اول هدفمندی یارانه‌ها احتمالاً کمتر از اثر تورمی تحریم بوده است. علاوه بر موارد فوق، عدم افزایش تورم در فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها که در اردیبهشت ۱۳۹۳ انجام شد، مؤید این ادعاست که افزایش تورم هدفمندی یارانه‌ها احتمالاً ناشی از کسری بودجه دولت بوده است.

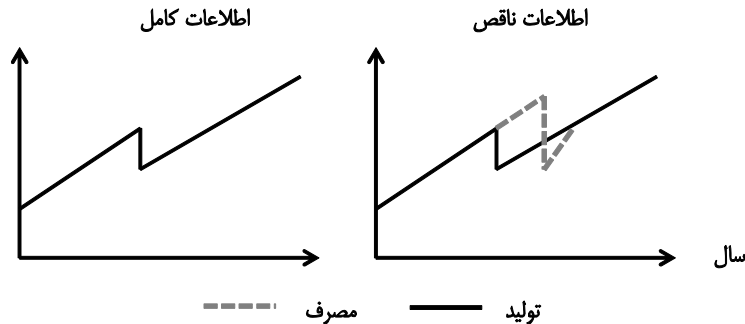
سؤال اساسی دیگر، چیهستی ماهیت شوک تحریم در اقتصاد ایران از منظر گذرا و پایدار است. همان‌گونه که در بخش تحریم بحث شد، پس از اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، بسیاری از سیاستگذاران و شماری از مردم گمان کردند که شوک تحریم گذراست و اثر چندانی بر درآمد دائمی افراد ندارد. به رغم باور سیاستگذاران، شوک تحریم اثری پایدار داشت. این دوره که بین واقعیت اقتصاد و باور سیاستگذاران و مردم اختلاف وجود دارد، همان فاز تحریم است. بنابراین انتظار می‌رود در فاز تحریم، به دلیل شوک منفی به روند، تولید کاهش یابد. اگر اطلاعات کامل بود، مطابق نمودار ۶ بخش چپ تولید و مصرف هم‌زمان کاهش پیدا می‌کردند و بر خط رشد جدیدی قرار می‌گرفتند اما به دلیل نقصان اطلاعات و برداشت غلط مردم و سیاستگذاران از پایدار و گذرا بودن شوک تحریم، آحاد اقتصادی گمان کردند که تحریم گذراست و لذا طی چند سال روی خط رشد سابق به مصرف پرداختند. این در حالی است که روند بلندمدت تولید کاهش یافته بود.

۳۳- Cagan

۳۳- البته اگر از منظر هم‌ارزی ریکاردو در تأمین مالی دولت به مسئله فوق نگاه شود، کسری بودجه دولت که منابع تأمین آن موجود نیست بالاخره بر پایه پولی خواهد نشست یا به بدهی دولت به نهادهای دیگر غیر از بانک مرکزی تبدیل خواهد شد. اگر دولت در نهایت نتواند هیچ منبع درآمدی تأمین کند به ناچار بدهی‌های فوق تبدیل به پایه پولی می‌شوند تا از طریق مالیات تورمی اخذ گردد.

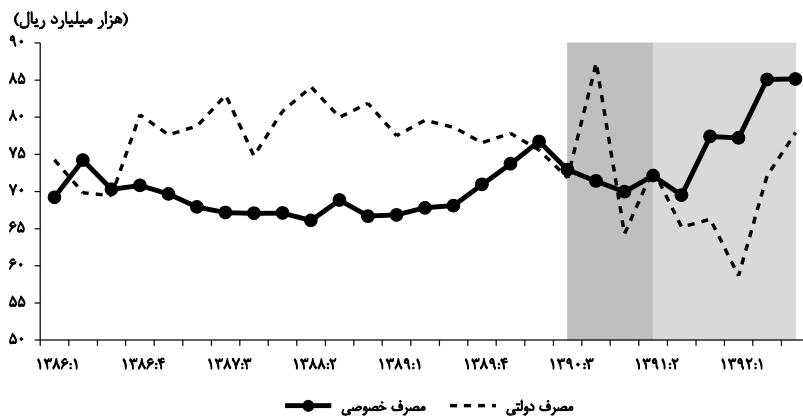


نمودار ۶ - تولید و مصرف در اثر شوک پایدار تحریم



در فاز بحران با آغاز جهش نرخ ارز، زمانی که آحاد اقتصادی، اعم از سیاستگذاران و مردم، به این جمع‌بندی رسیدند که شوک تحریم پایدار بوده است، نرخ مصرف کاهش شدیدی پیدا کرد و حتی پایین‌تر از روند گذشته خود قرار گرفت، زیرا طی فاز تحریم مردم بیش از مصرف دائمی خود مصرف کرده بودند. در این صورت، پس از آنکه مصرف کمتر از روند بلندمدت خود قرار گرفت، پیش‌بینی می‌شود که در عین رکود، شاهد یک دوره افزایش شدید مصرف باشیم. آیا تغییرات مصرف در سال‌های گذشته مؤید نظریه فوق است؟ نمودار ۷ روند مصرف حقیقی بخش خصوصی و دولتی را در طول زمان ترسیم می‌کند.

نمودار ۷ - مصرف حقیقی بخش دولتی و خصوصی



توضیح: نمودار بر اساس داده‌های حساب‌های ملی توسط بانک مرکزی تا پایان سال ۱۳۹۲ هزینه‌های مصرفی خصوصی (محور چپ) و هزینه‌های مصرفی دولت (محور راست) را به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ نمایش می‌دهد.
مأخذ داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

نمودار ۷ نشان می‌دهد که با آغاز فاز بحران، مصرف بخش خصوصی به شدت کاهش می‌یابد و از تابستان ۱۳۹۰ تا بهار ۱۳۹۱ حدود ۸,۸ درصد منقبض می‌شود. از مقایسه مصرف بخش خصوصی و تولید ناخالص داخلی مشخص می‌شود که به رغم کاهش تولید در سال ۱۳۹۱، مصرف خصوصی در زمستان این سال، ۱۱,۵ درصد نسبت به پاییز رشد می‌کند. این رشد بالا چنانکه در نمودار ۶ توضیح داده شد، ناشی از افت شدید در دوره‌های قبل است. شواهد اولیه آمار مصرف خصوصی در نیمه اول ۱۳۹۲ مؤید این مطلب است که پس از بازگشت به روند رشد بلندمدت، مصرف خصوصی در نیمه اول سال ۱۳۹۲ با نرخ ۳,۷ درصد رشد کرده است. عامل دیگر رشد مصرف در فصل‌های اخیر، کاهش شدید سرمایه‌گذاری در این دوره است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

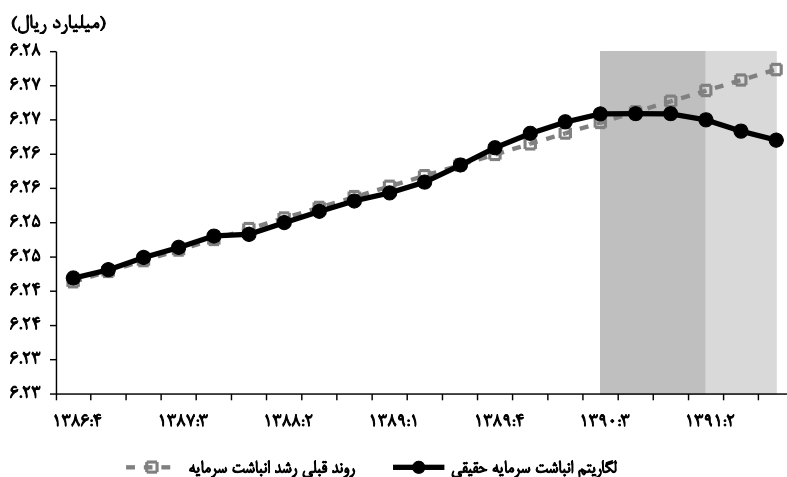
در مقابل، مصرف بخش دولتی در فازهای تحریم و بحران دو روند بسیار متفاوت را طی کرده است. همان‌طور که در نمودار ۷ مشخص است، میزان مصرف بخش دولتی در فاز تحریم بسیار انبساطی بوده و در فاز بحران و دوران گذار روند کاهش به خود گرفته



است. به عبارت دیگر، دولت که باید نقش هموارسازی کل مصرف را بر عهده داشته باشد، دقیقاً در زمان بحران، مصرف خود را بسیار بیشتر از آحاد خصوصی کاهش داده است. بدیهی است مصرف بیش از توان مالی دولت در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ از جمله عواملی است که موجب شده در فاز بحران، مخارج بخش عمومی کاهش شدیدی داشته باشد. البته نباید فراموش کرد که عامل اساسی در کاهش اخیر مصارف دولتی، کاهش درآمد نفت ناشی از تحریم است.

علاوه بر مصرف اجزای اقتصاد، متغیر اساسی دیگری که تصمیم آحاد اقتصادی را نشان می‌دهد، میزان سرمایه‌گذاری و کل انباشت سرمایه است. اگر شوک تحریم گذرا بود، سرمایه‌گذاری باید روند بلندمدت خود را طی می‌کرد. در مقابل، اگر آحاد اقتصادی باور کنند که شوک منفی عرضه پایدار است، نتیجه می‌گیرند که اقتصاد بر مسیر رشد اقتصادی پایین‌تری قرار گرفته است. در چنین شرایطی ضروری است میزان انباشت سرمایه در اقتصاد بر مسیر رشد اقتصادی جدید قرار گیرد. لذا میزان سرمایه‌گذاری کاهش شدیدی پیدا می‌کند. نمودار ۸، انباشت سرمایه را در اقتصاد در فصل‌های اخیر ترسیم می‌کند.

نمودار ۸- لگاریتم انباشت سرمایه کل حقیقی



توضیح: این نمودار انباشت سرمایه به قیمت ثابت ۱۳۷۶ را نشان می‌دهد. مقدار اولیه انباشت سرمایه بر اساس گزارش «موجودی سرمایه در ایران» منتشرشده توسط بانک مرکزی برای سال ۱۳۸۶ برابر ۱۷۴۵ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۷۶ فرض شد و با استفاده از نرخ استهلاک سالانه ۱۰ درصد و سرمایه‌گذاری حقیقی (۱۰۰=۱۳۷۶) محاسبه گردیده است. روند بلندمدت بر اساس روند زمانی لگاریتم متغیر انباشت سرمایه در بازه ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ محاسبه شده است. مأخذ داده‌ها: محاسبات تحقیق.

بنا بر آنچه در نمودار ۸ نشان داده شده است، انباشت سرمایه تا فصل سوم ۱۳۹۰ (آغاز فاز بحران) روند افزایشی خود و منطبق بر روند بلندمدت را طی کرد. در ابتدای فاز بحران، سرمایه‌گذاری تنها جوابگوی استهلاک سرمایه بود ولی در ادامه استهلاک سرمایه از سرمایه‌گذاری فزونی گرفت و سرمایه کل در اقتصاد روند نزولی یافت. دلیل این امر، با توجه به فرض شوک منفی پایدار عرضه، واضح است. اقتصاد در شرایط جدید روی روند رشد اقتصادی جدیدی قرار گرفته است و سرمایه روند سابق، هنوز فراتر از سرمایه مورد نیاز در اقتصاد است. به عبارت دیگر هنوز حجم بالایی از ظرفیت اضافی تولید در صنایع کشور وجود دارد. اگر مدعای فوق صحیح باشد، تنها راه آغاز رشد اقتصادی و استفاده از ظرفیت اضافی موجود نه افزایش رشد اقتصادی، بلکه انتقال اقتصاد به مسیر رشد بلندمدت جدید است.^{۳۴} از منظر خرد و نگاه افراد نیز می‌توان مشاهدات فوق را توصیف کرد. ذکر این نکته ضروری است که در پاسخ به شوک منفی پایدار و در رکود، آحاد اقتصادی می‌دانند که شرایط اقتصادی در آینده بدتر از امروز خواهد شد، بنابراین ترجیح می‌دهند میزان سرمایه‌گذاری را کاهش دهند.

البته شوک تحریم یک عنصر پایدار در بخش تقاضای خارجی نیز بوده است. نفوذ به بازارهای دیگر و رقابت با سایر تولیدکنندگان جهانی امری زمان‌بر و بسیار پرهزینه است. با افزایش شدت تحریم، بسیاری از صادرکنندگان کشور، بازار هدف خود در کشورهای دیگر

۱- رحمتی، محمدحسین و مدنی‌زاده، سیدعلی در مقاله «رکود توری و راهکارهای خروج» در همین مجموعه، سیاست‌های مختلف را بررسی کرده‌اند.

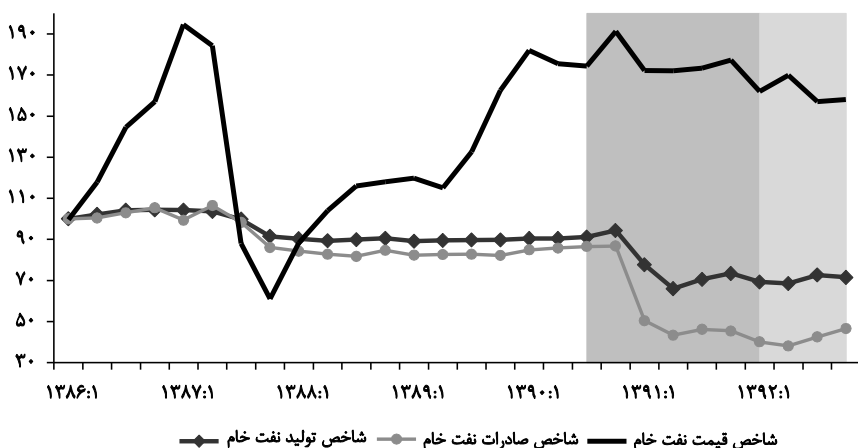


را از دست دادند، که به نظر می‌رسد حتی با رفع تحریم، سال‌ها امکان به دست آوردن بازارهای مذکور، مقدور نباشد. همچنین به دلیل تحریم‌های بانکی، بانک‌های کشور عملاً از شبکه بانکی جهانی کنار گذاشته شده‌اند و ترمیم این وضعیت، سال‌ها به طول می‌انجامد. در خلال توضیح فوق دو سؤال اساسی مطرح می‌شود:

- آیا شواهدی وجود دارد که وقوع بحران پیش از پاییز ۱۳۹۰ را تصدیق کند؟
- چه عوامل اقتصادی موجب شدند آحاد اقتصادی وقوع بحران یا به عبارتی پایدار بودن تحریم را مشاهده نکنند؟

در پاسخ به سؤال اول باید گفت نشانه‌های بحران از سال‌ها پیش مشخص شده بود. برای مثال اگر تولید و صادرات بخش نفت به عنوان یکی از شاخص‌های تحریم شمرده شود، از ابتدای سال ۱۳۸۷ نشانه‌های کاهش تولید و صادرات به وضوح مشاهده می‌شد. کاهش تولید در بخش نفت به مرور و بر اساس قراردادهای خدمات یک یا دو سال قبل رخ می‌دهد. به عبارت دیگر اگر کاهش تولید و در نتیجه، کاهش صادرات در سال ۱۳۸۷ رخ داده است، در قراردادهای استخراج نفت در سال ۱۳۸۶ یا قبل‌تر، اتفاقی افتاده است.^{۳۵}

نمودار ۹- شاخص تولید، صادرات و قیمت نفت خام (۱۰۰=۱۳۸۶ فصل اول)



توضیح: این نمودار تولید روزانه نفت خام، صادرات روزانه نفت خام و قیمت دلاری هر بشکه نفت خام ایران را بر اساس آخرین داده منتشرشده توسط بانک مرکزی به صورت متوسط فصل نشان می‌دهد. متوسط تولید روزانه نفت خام، متوسط صادرات روزانه نفت خام و متوسط قیمت دلاری هر بشکه نفت خام ایران به ترتیب مقادیر ۳۹۵۲ هزار بشکه در روز، ۲۴۲۸ هزار بشکه در روز و ۶۵ دلار به ازای هر بشکه را در بهار ۱۳۸۶ اتخاذ کرده‌اند. داده‌های صادرات و تولید نفت خام ایران از فصل اول سال ۱۳۹۱ بر اساس داده‌های خارجی محاسبه شده و تخمین نگارندگان است. مأخذ داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

نمودار ۹ به وضوح نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۷ تولید و در نتیجه صادرات نفت خام ایران به صورت ناگهانی با افت پایدار ۱۵ درصد مواجه شد. نظر به اینکه فروش نفت فرایندی زمان‌بر است، کاهش هم‌زمان تولید و صادرات نشان می‌دهد که افت تولید نفت ناشی از شوک عرضه بوده است. میزان صادرات نفت خام ایران بر حسب تعداد بشکه در روز در فاز تحریم روندی باثبات داشته است، گرچه افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ باعث شد که آحاد اقتصادی، اعم از دولتی و خصوصی، کاهش تولید پایدار نفت را مشاهده نکنند. به دلیل افزایش قیمت نفت، درآمدهای دولت افزایش یافت و دولت توانست با اجرای سیاست‌های انبساطی، رشد اقتصادی را در کوتاه‌مدت و در خلال سال ۱۳۸۹ فراتر از روند بلندمدت قرار دهد.

۱- در خلال ارائه این مقاله در پژوهشکده پولی بانکی در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۱۷ یکی از حاضران در دفاع از مدعی فوق اظهار داشت که تحریم نفت ایران به دوران ریاست جمهوری کیلینتون و میانه دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد، لکن تحریم‌های مذکور در بخش نفت به صورت سالانه معاف می‌شدند. در سال ۱۳۸۶ و با تحریم ایران در سازمان ملل، خزانه‌داری آمریکا، اعمال و اجرای تحریم‌های گذشته به شکلی شدیدتر را در دستور کار خود قرار داد و بسیاری از شرکت‌های حاضر در میداین نفت ایران به مرور از تولید و استخراج نفت ایران خارج شدند. ارزیابی صحت چنین توضیحی نیازمند داده‌های سرمایه‌گذاری نفتی در سال‌های اخیر است.



ممکن است بر اساس نمودار ۹ ادعا شود که شوک اساسی به اقتصاد ایران در سال‌های اخیر شوک کاهش صادرات نفت بوده است. اشکال اساسی این ادعا آن است که تولید نفت را برون‌زا فرض می‌کند، در حالی که تولید نفت، مانند هر بنگاه یا صنعت دیگری، یک متغیر درون‌زاست. سطح تولید و صادرات نفت کشور تابعی از سرمایه، نیروی انسانی و تأمین اعتبار و شرایط نهادی و سیاسی است. بدیهی است تحریم اولین اثر خود را روی تأمین اعتبار خارجی و مشارکت شرکت‌های خارجی در تولید نفت ایران گذاشته است. به عبارت دیگر تولید و صادرات نفت ایران مدت‌ها پیش از اعمال تحریم خرید نفت ایران از مجرای تولید عمل کرده بود که این واقعیت با سیاست‌های انبساطی و افزایش قیمت نفت از چشم سیاستگذاران و مردم مخفی مانده بود.

۲-۴. رکود تورمی با منشأ شوک تقاضا

در مقابل شوک عرضه با سازوکارهای تشدیدکننده که در بخش ۴-۱ بحث شد، معدودی از اقتصاددانان بر این باورند که رکود تورمی می‌تواند تنها ناشی از شوک تقاضا و سازوکار خاص اقتصاد در زمان بندی این شوک‌ها باشد. در تحلیل نظری، این اقتصاددانان توضیح می‌دهند که با یک سیاست انبساطی پولی (و مالی که منتج به کسری بودجه شود) تولید ابتدا افزایش می‌یابد و پس از مدتی، تورم حادث می‌شود. پس از آنکه اثر رونقی سیاستگذاری طی شد، دوران رکود فرا می‌رسد. اگر تورم چسبندگی داشته باشد، در دوره‌ای که زمان رکود فرا می‌رسد، اقتصاد همچنان در وضعیت تورمی به سر می‌برد. توضیح فوق از معدود توضیحاتی است که در ادبیات نظری برای وقوع رکود تورمی ناشی از شوک تقاضا ذکر شده است. سؤال اساسی آن است که آیا این توضیح می‌تواند با توجه به واقعیت‌های اقتصاد ایران، رکود تورمی اخیر را توضیح دهد؟

تأثیر شوک تقاضا بر رکود تورمی در ایران تنها زمانی کامل است که در کنار استفاده از ارز به عنوان لنگر اسمی کنترل تورم تحلیل شود. در این صورت اگر بر اساس مشاهدات بخش اول و دوم فوق فرض شود که جهت‌گیری کلی سیاست‌های دولت در خلال سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ انبساطی بوده است، اثر ابتدایی رونق، بخصوص در این سال‌ها نمایان است. در عین حال دولت با کمک لنگر اسمی افزایش تورم را به تأخیر انداخت. در نتیجه زمانی که موعد چرخه رکودی سیاست‌های انبساطی فرارسید، دولت در کنترل تورم به کمک لنگر اسمی ارز نیز ناتوان ماند و رکود تورمی شدیدی رخ داد. حال سؤال اساسی آن است که تحلیل حاضر چه قدر با واقعیت‌های اقتصاد ایران هم‌خوانی دارد؟ آیا شوک عرضه همراه با سازوکار تشدیدکننده یا شوک‌های تقاضا عامل اصلی رکود بوده است؟ نویسندگان احتمالاً نمی‌توانند در این خصوص نظر قطعی بدهند. لکن احتمال بیشتری وجود دارد که هر دو سازوکار هم‌زمان عمل کرده است. گرچه شواهد موجود پیشنهاد می‌کنند که اثر شوک عرضه بیشتر بوده است.^{۳۶}

۳-۴. رکود تورمی با منشأ شوک تجاری

علاوه بر دو نظریه عرضه و تقاضای فوق، شوک‌های دیگری نیز در اقتصاد ایران نقش مکمل سازوکارهای فوق را ایفا کرده‌اند. با آغاز سال ۱۳۹۱، بر اساس نمودار ۹، میزان تولید و صادرات نفت خام ایران به شدت افت پیدا کرد و همچنین فاصله تولید و صادرات نفت افزایش یافت. این نمودار، یکی از دلایل اساسی کاهش تولید نفت از میانه سال ۱۳۹۱ را کاهش خرید کشورهای دیگر از ایران به دلیل تحریم خرید نفت ایران بیان می‌کند. این تحریم غیر از تحریم سرمایه‌گذاری نفت است که عمدتاً روی بخش عرضه تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر این تکانه غیر از شوک تقاضاست که ناشی از سیاست‌های پولی بانک مرکزی است. به همین دلیل، شوک تجاری نام‌گذاری شده است.^{۳۷}

سؤال اساسی آن است که این شوک تجاری چه قدر در تعمیق رکود تورمی مؤثر بوده است. توجه به این نکته ضروری است که شوک تجاری می‌تواند کنار هر دو نظریه عرضه و تقاضا مطرح شود و تناقضی نداشته باشد. بدیهی است مدل‌سازی و اندازه‌گیری تأثیر شوک تجاری، مطالعه‌ای جداگانه می‌طلبد و فراتر از تحقیق حاضر است.

۱- نگارندگان در حال انجام تحقیقی مجزا هستند که علل و تأثیر تکانه‌های مختلف را به صورت کمی آزمون می‌کند.

۲- اصولاً در اقتصاد مدرن، به جای دو شوک کلی عرضه و تقاضا، اقتصاددانان از شوک به صورت کلی استفاده می‌کنند و دلیلی وجود ندارد که هر تکانه به مؤلفه شوک تقاضا و عرضه تجزیه شود. دلیل اصلی آن است که مجرای تأثیرگذاری شوک عرضه و تقاضا محدود است و تجزیه هر تکانه به این دو شوک می‌تواند بسیاری از سازوکارهای تأثیرگذاری شوک اولیه را از بین ببرد و موجب بدفهمی شود.



۵. تحلیل سیاست‌های پولی دولت و اثرات تورمی تحریم

جدول ۶ در بازه ۸ ساله تابستان ۱۳۸۴ تا تابستان ۱۳۹۲، شاخص متغیرهای اقتصاد کلان را مقایسه می‌کند. بر اساس این جدول، قیمت مصرف‌کننده در این بازه ۸ ساله، نزدیک به ۴,۵ برابر شده است. تفکیک میزان افزایش شاخص قیمت در دو بازه جداگانه نشان می‌دهد که در چهار سال اول (از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸) ۱,۹ برابر و در چهار سال دوم ۲,۴ برابر شده است. در مقام مقایسه، پایه پولی در چهار سال ابتدایی ۳ برابر، در چهار سال دوم ۱,۹ برابر و در کل، ۵,۸ برابر شده است. طبیعتاً بنا بر نظریه مقداری پول، فاصله بین ۴,۵ برابر شدن شاخص قیمت و ۵,۸ برابر شدن پایه پولی را رشد اقتصادی پر می‌کند.^{۳۸} در چهار سال اول، رشد اقتصادی تقریباً مشابه روند ۲۰ سال گذشته آن، حدوداً سالی ۴,۵ درصد، در چهار سال ۱,۲ برابر شده است. در چهار سال دوم که تکان‌های تحریم شدت می‌گیرند، تولید عملاً هیچ تغییری نکرده است (۱,۰۲ برابر). بنابراین در بازه ۸ ساله و مجموع دو بازه فوق مشاهده می‌شود که تولید با ۲۲ درصد رشد طی ۸ سال، حدوداً ۱,۲۲ برابر شده است.

جدول ۶- ارزیابی تأثیر سیاست‌های پولی و تحریم

تولید حقیقی	شاخص قیمت		نقدینگی	پایه پولی	ارز آزاد	
	تولیدکننده	مصرف‌کننده				
۴۱۹	۱۰۷	۳۹	۲۶۲	۱۶۷	۸۹۳۶	۱۳۸۴
۵۰۵	۱۸۰	۷۳	۵۱۵	۵۰۹	۹۹۰۹	۱۳۸۸
۵۱۴	۴۸۱	۱۷۴	۱۰۷۱	۹۶۳	۳۱۴۷۰	۱۳۹۲
۱,۲	۱,۶۷	۱,۸۶	۱,۹۶	۳,۰۴	۱,۱۱	نسبت ۱۳۸۸ به ۱۳۸۴
۱,۰۲	۲,۶۷	۲,۳۹	۲,۰۸	۱,۸۹	۳,۱۸	نسبت ۱۳۹۲ به ۱۳۸۸
۱,۲۲	۴,۴۷	۴,۴۶	۴,۰۸	۵,۷۶	۳,۵۲	نسبت ۱۳۹۲ به ۱۳۸۴

توضیح: داده‌های هر سال مربوط به ماه مرداد می‌باشد (به استثنای نرخ ارز). ارز آزاد به ریال، پایه پولی و نقدینگی به هزار میلیارد ریال و تولید حقیقی منتهی به تابستان، هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت ۱۳۷۶ است.
ماخذ داده‌ها: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

برای ارائه تخمین سرانگشتی از اثر تحریم در اقتصاد می‌توان به روش زیر عمل کرد: با فرض نبود تحریم و رشد اقتصاد طبق روند بلندمدت سابق خود، انتظار می‌رفت تولید ناخالص داخلی در هر سال ۴,۵ درصد رشد کند. در این صورت، انتظار می‌رفت که تولید در ۸ سال، ۱,۴۲ برابر شود ولی در حال حاضر مشاهده می‌شود که اقتصاد در ۸ سال، ۱,۲۲ برابر شده است که معادل ۱۴ واحد درصد رشد پایین‌تر از روند بلندمدت است. بنابراین می‌توان تحلیل کرد که این افت، ناشی از تحریم است؛ تحریم با کاهش بهره‌وری موجب کوچک شدن اقتصاد شده است. در این صورت، به صورت تقریبی، تحریم ۱۴ درصد رفاه از اقتصاد کاسته که معادل افزایش ۱۴ درصدی سطح قیمت‌هاست. به زبان ساده‌تر، وقتی یک اقتصاد ۱۴ درصد کوچک شده است، با همان حجم پول سابق، یک واحد از این کیک ۱۴ درصد گران‌تر می‌شود. در دوران اعمال تحریم سطح قیمت‌ها ۴,۵ برابر شده است که تحریم سهم مستقیم ۱,۱۴ برابری در این رشد داشته است و مابقی افزایش سطح قیمت‌ها، ۳,۹ برابر، به دلیل افزایش پایه پولی رخ داده است. ذکر این نکته ضروری است که عمده فشار تحریم در بازه ۲ سال آخر وارد شده و لذا خالص اثر تورمی سالانه آن حدود ۷ درصد سالانه می‌باشد. دقت شود که این تخمین، اثر مستقیم تحریم می‌باشد و پیامدهایی را که تحریم به صورت غیرمستقیم در اقتصاد دامن زده است اندازه‌گیری نمی‌کند.

مقایسه روند چهار سال اول و دوم نشان می‌دهد که رشد پایه پولی در بهار سال اول، به دلیل لنگر ارزی که از طریق منابع نفتی تأمین می‌شد، کمتر به تورم انجامید و فشار تورمی آن ذخیره ماند تا آنکه با افزایش فشار تحریم‌ها و عدم توانایی بانک مرکزی در کنترل بازار ارز، قیمت ارز جهش نمود و فشار تورمی پول‌های تزریق شده قبلی را خنثی کرد و سبب رشد فزاینده قیمت‌ها شد.

۱- البته اندکی از اختلاف نیز توسط سرعت گردش پول و ضریب فزاینده پر خواهد شد که بنا بر محاسبات نگارندگان، تأثیر افزایش سرعت گردش پول در توضیح این تفاوت در این بازه زمانی بسیار ناچیز بوده است.



۶. جمع بندی

در این مقاله نظم‌های آماری اقتصاد ایران در نیم دهه اخیر، شامل نوسانات تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ ارز، خالص صادرات و دیگر متغیرهای اقتصاد کلان بررسی شد. همچنین تکانه‌های اصلی وارده به اقتصاد ایران در نیم‌دهه گذشته مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. بر اساس نتایج نظم‌های آماری و شوک‌های وارده توضیح داده شد که احتمالاً شوک تحریم در قالب عرضه کل و سیاست‌های کج دار و مریز سال‌های گذشته در قالب شوک تقاضا، عامل اساسی پدیده رکودتورمی بوده است. دیگر گزینه محتمل رکودتورمی، شوک تقاضا و چسبندگی قیمت‌ها همراه با لنگر اسمی ارز است. بدیهی است شوک تجاری تحریم که به صورت عدم خرید نفت در دو سال اخیر بر اقتصاد ایران وارد شده نیز از عوامل اساسی تعمیق رکودتورمی بوده است. برای اندازه‌گیری و کمی‌سازی اثر هر تکانه انجام تحقیقی تکمیلی ضروری است.

منابع و مأخذ

- فارسی

رحمتی، محمدحسین و کمیاب، بهناز. (۱۳۹۳). *مطالعه روند واردات خودرو و قطعات در ایران*. مرکز ملی رقابت.

رحمتی، محمدحسین و مدنی‌زاده، سیدعلی. *رکود تورمی و راهکارهای خروج*. در دست تهیه.

عزیزی‌راد، ماریه. (۱۳۹۳). گزارش *راهکارهای خروج از رکودتورمی*. فصل ۷ (تکانه‌های پولی و مالی و بی‌نظمی‌های بودجه‌ای).

-انگلیسی

Blinder, Alan S. & Rudd, Jeremy B. (2008). *The supply- shock explanation of the Great Stagflation revisited*. No. w14563. National Bureau of Economic Research.

Bruno, Michael & Sachs, Jeffrey D. (1979). Supply vs. demand approaches to the problem of stagflation. NBER Working Paper No.382.

Cagan, P. (2000). Phillips' adaptive expectations formula. *AWH Phillips: Collected Works in Contemporary Perspective*, Cambridge University Press, New York.



فهرست گزارش‌های پژوهشی

عنوان	کد گزارش	نویسنده / نویسندگان
۱۳۹۳		
مدیریت نرخ ارز تحت نظام ارزی خزنده در کریدور	MBRI-PP-93026	حمید زمان زاده، علی بهادر، حسین باستانزاد، حسین توکلیان
مطالبات غیر جاری یا دارایی‌های مسموم بانک‌ها	MBRI-PP-93025	فرهاد نیلی و امینه محمودزاده
گزارش ادواری «چشم‌انداز کوتاه‌مدت اقتصاد کلان ایران» (آبان‌ماه ۱۳۹۳)	MBRI-PR-93024	حمید زمان زاده
گزارش فصلی متغیرهای اقتصاد کلان (تابستان ۱۳۹۳)	MBRI-PR-93023	سیدعلی مدنی زاده، رامین مجاب، سجاد ابراهیمی، سعید بیات، مجید عینیان، هومن کرمی
گزارش ماهانه پیش‌بینی تورم (آبان‌ماه ۱۳۹۳)	MBRI-PR-93022	سیدعلی مدنی زاده، سعید بیات، هومن کرمی
گزارش فصلی تولید صنعتی ایران (تابستان ۱۳۹۳)	MBRI-PR-93021	سجاد ابراهیمی
شکست بازار اعتبارات	MBRI-PP-93020	فرهاد نیلی و امینه محمودزاده
سیستم حسابهای ادغام شده محیط زیستی و اقتصادی ایران (حساب اقماری محیط زیست ایران) (SEEAIRAN)	MBRI-RR-93019	ابوالفضل خاوری نژاد
بررسی اثرات دور اول و دوم تحولات اقتصاد کلان بر ترازنامه بانک‌ها	MBRI-PN-93018	هادی حیدری
گواهی سپرده مدت‌دار سرمایه‌گذاری خاص: کاستی‌ها و راه‌حل‌ها	MBRI-PN-93017	رسول خوانساری، ماندانا طاهری، حمید زمان‌زاده
پیش‌بینی تورم ایران با استفاده از منحنی فیلیپس	MBRI-WP-93016	سید مهدی برکچیان، سعید بیات، هومن کرمی
چرخه‌های تجاری و اعتباری	MBRI-PP-93015	فرهاد نیلی و امینه محمودزاده
ارتباط پول و قیمت؛ با تمرکز بر اجزای شاخص قیمت مصرف‌کننده	MBRI-PP-93014	رامین مجاب
ارزیابی پویایی صنعت بانکداری ایران با تأکید بر رقابت‌پذیری	MBRI-PN-93013	اعظم احمدیان
هدف‌گذاری تورم؛ لزوم اعمال و پیش‌شرط‌های اساسی	MBRI-PN-93012	ایلناز ابراهیمی
ضرورت بازسازی چارچوب ارتباطی بانک مرکزی	MBRI-PP-93011	مریم همتی
کنترل اثرات ناپایداری و شکست ساختاری تورم با مدل‌های غیرخطی و زمان‌متغیر	MBRI-WP-93010	سید مهدی برکچیان، سعید بیات، هومن کرمی
راهکاری در جهت تقویت رعایت اصول شریعت در قراردادهای بانکی	MBRI-PN-93009	وهاب قلیچ و فرشته ملاکریمی
ارزیابی سرمایه بانک‌ها بر اساس استانداردهای بین‌المللی	MBRI-PN-93008	زهرا خوشنود و مرضیه اسفندیاری
پیش‌بینی تورم ایران با استفاده از عوامل مشترک اجزای شاخص قیمت کالاها و خدمات	MBRI-WP-93007	سید مهدی برکچیان، سعید بیات، هومن کرمی
وضعیت صنایع در دوره‌های رونق و رکود	MBRI-PN-93006	مجید عینیان
ارزیابی وضعیت مطالبات غیر جاری در نظام بانکی ایران و مقایسه آن با سایر کشورها	MBRI-PN-93005	لیلا محرابی
معرفی روش‌های تأمین مالی اسلامی در کشورهای مختلف	MBRI-PN-93004	لیلا محرابی
سپهر سرمایه مخالف چرخه سندی از جمله اسناد توافق‌نامه سرمایه‌بال سه	MBRI-PP-93003	زهرا خوشنود
آسیب‌شناسی بازار بین‌بانکی ربالی در ایران با تأکید بر ابعاد فقهی	MBRI-PP-93002	رسول خوانساری
اثر پسماند جانشینی پول در ایران	MBRI-RR-93001	سامان قادری
۱۳۹۲		
ضرورت بازسازی چارچوب ارتباطی بانک مرکزی	MBRI-9228	مریم همتی
استقلال بانک مرکزی؛ گام نخست در پیشبرد اهداف سیاست‌گذاری پولی	MBRI-9227	مریم همتی
تأثیر نوسانات متغیرهای کلان اقتصادی بر مطالبات غیر جاری بخش بانکی؛ رهیافت اقتصادسنجی	MBRI-9226	حامد عادل‌نیک
اثرات پویای حجم کل بدهی‌ها بر بخش واقعی اقتصاد ایران (۱۳۶۰-۱۳۹۰) و ارزیابی آن به عنوان سازوکار هشداردهنده وقوع بحران مالی	MBRI-9225	احمدعلی رضایی
ارزیابی عملکرد بانک‌ها در سبد دارایی، بدهی، سود و زیان در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۲	MBRI-9224	اعظم احمدیان
تحلیل سهم از بازار بانک‌ها (۱۳۹۰-۱۳۹۱)	MBRI-9223	اعظم احمدیان
ارزیابی شاخص‌های سلامت بانکی، در بانک‌های ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۱)	MBRI-9222	اعظم احمدیان
تجربه بانک‌های توسعه‌ای در بحران اقتصادی جهان و تحولات پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد جهانی	MBRI-9221	لیلا محرابی
وضعیت آماری موسسات مالی اسلامی برتر در جهان (با تأکید بر نقش بانک‌های ایرانی)	MBRI-9220	وهاب قلیچ، لیلا محرابی
پایداری تورم و عوامل موثر بر آن در اقتصاد ایران	MBRI-9219	حجت تقی‌لو
مالیات تورمی در ترازوی عدالت	MBRI-9217	دکتر محمداسماعیل توسلی و وهاب قلیچ
مدیریت ثروت اسلامی	MBRI-9216	رسول خوانساری، رضا یارمحمدی



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

عنوان	کد گزارش	نویسنده / نویسندگان
بررسی دیدگاه‌های فقهی پیرامون مسأله جبران کاهش ارزش پول	MBRI-9215	فرشته ملاکریمی
تحلیل عاملی نسبت‌های مالی بنگاه‌های صنعتی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران	MBRI-9214	ماندانا طاهری، فرهاد نیلی
صکوک کوتاه‌مدت و کاربردهای آن در بانکداری و مالی اسلامی	MBRI-9213	رسول خوانساری، حسین میسمی، لیلا محرابی
جعبه ابزار پیش‌بینی تورم در اقتصاد ایران	MBRI-9212	سید مهدی برکچیان، سعید بیات، هومن کرمی
محاسبه سود قطعی سپرده‌گذاران در بانکداری بدون ربا	MBRI-9211	حسین میسمی
ارزیابی عملکرد صنعت بانکداری در ایران (مقایسه سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰)	MBRI-9210	اعظم احمدیان
نگاهی به چارچوب قانونی، نهادی و نظارتی ورشکستگی بانک	MBRI-9209	حمید قنبری
تحلیل شاخص‌های عملکرد شبکه بانکی در تأمین مالی تولید	MBRI-9208	اعظم احمدیان
بسترهای تشکیل منطقه بهینه پولی بین کشورهای سازمان همکاری اقتصادی (اگو)	MBRI-9207	مصعب عبدالهی آرانی
حاکمیت شرکتی، نظارت و مقررات احتیاطی در موسسات مالی اسلامی: گزارش پنجمین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی	MBRI-9206	حسین میسمی
استانداردهای حسابداری و حسابرسی در موسسات مالی اسلامی: گزارش چهارمین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی	MBRI-9205	وهاب قلیچ
مدیریت دارایی و بدهی در بانک‌های اسلامی: گزارش سومین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی	MBRI-9204	لیلا محرابی
مدیریت ریسک در بانک‌های اسلامی: گزارش دومین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی	MBRI-9203	رسول خوانساری
اصول و مقررات شرعی در معاملات و تأمین مالی: گزارش اولین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی	MBRI-9202	فرشته ملاکریمی
تورم و جبران کاهش ارزش پول از دیدگاه اسلامی: گزارش هفتمین جلسه نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی	MBRI-9201	حسین میسمی
۱۳۹۱		
پولی کردن کسری بودجه از منظر اقتصاد اسلامی: گزارش ششمین جلسه نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی	MBRI-9111	حسین میسمی
مجموعه روایات ربا(بخش اول)	MBRI-9110	فرشته ملاکریمی
بررسی فقهی و حقوقی وثایق بانکی	MBRI-9109	فرشته ملاکریمی
عوامل مؤثر بر استفاده خانوارهای شهری از انواع خدمات مالی	MBRI-9108	فرهاد نیلی و مرضیه اسفندیاری
ضرورت معرفی رهنمود جدیدی در مدیریت ریسک نقدینگی با توجه به تحولات سیستم مالی در ایران	MBRI-9107	زهره خوشنود
ساختار بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی: نمونه موردی کشور مالزی	MBRI-9106	لیلا محرابی
مفهوم‌شناسی ربا و بهره	MBRI-9105	حسین میسمی
تورق چیست؟	MBRI-9104	وهاب قلیچ
چشم‌انداز اقتصاد اسلامی بر بحران مالی جهانی	MBRI-9103	لیلا محرابی
وضعیت بانکداری اسلامی در کشورهای منطقه MENA	MBRI-9102	لیلا محرابی
بحران یورو؛ ریشه‌های پیدایش و سناریوهای آینده	MBRI-9101	ایلناز ابراهیمی
۱۳۹۰		
عملیات بازار باز در چارچوب بانکداری بدون ربا (تابستان ۱۳۹۰)	MBRI-9008	حسین قضاوی، حسین بازمحمدی
کتاب‌شناسی اقتصاد ریاضی(پاییز ۱۳۹۰)	MBRI-9007	فرهاد نیلی
برآورد قدرت بازاری در شبکه بانک‌های دولتی ایران(بهار ۱۳۹۰)	MBRI-9006	سید صفدر حسینی
جنبه‌های اساسی تغییر واحد پول ملی؛ تجربه ونزوئلا(تابستان ۱۳۹۰)	MBRI-9005	ابوالفضل اکرمی، پیمان قربانی
اصول اساسی اثربخشی نظام‌های بیمه سپرده(تابستان ۱۳۹۰)	MBRI-9004	حسین معصومی، محمد روشن‌دل
ساز و کارهای تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط(بهار ۱۳۹۰)	MBRI-9003	زهره سلطانی، زهره خوشنود، طاهره اکبری آلاشتی
بانکداری اخلاقی در جهان(بهار ۱۳۹۰)	MBRI-9002	وهاب قلیچ
مالیات تورمی دلار(بهار ۱۳۹۰)	MBRI-9001	حسین قضاوی
۱۳۸۹		
بورس اوراق بهادار در ایران و برخی کشورهای منتخب	MBRI-8911	علی حسن‌زاده، اعظم احمدیان
قانون بانک مرکزی فدراسیون روسیه	MBRI-8910	امیر حسین امین‌آزاد، حسین معصومی
سیاست‌های پولی و قیمت نفت	MBRI-8909	مهدی منجمی
مدیریت نقدینگی و جوجه نقد صندوق شعب با استفاده از مدل انتشار	MBRI-8908	هادی حیدری، زهرا زواریان، ایمان نوربخش
مصوبه تشکیل مراکز خدمات سرمایه‌گذاری استانی	MBRI-8907	لیلا محرابی



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نویسنده / نویسندگان	کد گزارش	عنوان
مهشید شاهچرا	MBRI-8906	بررسی برنامه پنجم توسعه کشور
طاهره اکبری آلاشتی	MBRI-8905	آیین‌نامه اجرایی حمایت از صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی
ترانگ بوی، تامیم بایومی، مترجم: سوفی بیگلری	MBRI-8904	اثر خارجی بحران های مالی آمریکا و انگلستان بر دیگر نقاط جهان
پرستو شجری	MBRI-8903	نقش یوان در موفقیت تجاری چین
مجید صامتی، سعید دائی کریم زاده، لیلا نیلفروشان	MBRI-8902	ادوار تجاری و آزمون علیت گرنجر
حسین میسمی، محسن عبدالهی، مهدی قائمی اصل	MBRI-8901	امکان‌سنجی فقهی-اقتصادی استفاده از نهاد وقف در تامین مالی خرد اسلامی



پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، پلاک ۱۰
کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

www.mbri.ac.ir